اولین روزنامه تخصصی معدن و صنایع معدنی ایران

روزگار معدن

ضمیمه صنعت معدن تجارت

www.Madandaily.com

چهارشنبه • ۱۹ بهمن ۱۴۰۱ • ۱۷ رجب ۱۴۴۴ • ۸ فوریه ۲۰۲۳ • سال پنجم • شماره ۱۰۱۹ • ۸صفحه • قیمت ۵۰۰۰ تومان



نقش بی‌بدیل نمایشگاه در توسعه معدنی استان کرمان

یکی از مهم‌ترین اهداف برگزاری این نمایشگاه معرفی ظرفیت‌های استان کرمان است. در پی تکمیل و رشد زنجیره فولاد کشور استان کرمان می‌تواند به ظرفیت تولید ۱۰ میلیون تن از ۵۵ میلیون تن افق ۱۴۰۴ فولاد کشور دست یابد و عنوان قطب فولاد کشور را از آن خود کند.تنوع معادن مختلف ازجمله مس در سرچشمه رفسنجان و شهربابک، زغال‌سنگ در زرند، کوهبنان و راور؛ سنگ‌آهن در سیرجان و زرند؛ کرومیت در اسفندقه، فاریاب و صوغان و همچنین ماده معدنی تیتانیوم در جنوب استان کرمان، تنها گوشه‌ای از منابع عظیم معدنی این استان است...

۲



نمایشگاه ابزاری برای ذهنیت‌سازی در سطح جهانی

یکی از دلایل رشد و توسعه سریع اقتصاد چین توجه ویژه دولت این کشور به برگزاری رویدادهای تجاری و نمایشگاهی و حضور در رویدادهای بین‌المللی است اگر آلمان در حال حاضر چهارمین اقتصاد دنیا را دارد به‌این‌علت است که بزرگ‌ترین مرکز نمایشگاهی دنیا را فعال کرده است نمایشگاه ابزاری برای ذهنیت سازی در سطح جهانی است.نمایشگاه متالوژی، فولاد، ریخته‌گری، ماشین‌آلات و صنایع وابسته کرمان از ۱۶تا ۱۹ بهمن‌ماه در حال برگزاری است، در همین راستا با نماینده مردم...

۳

نمایشگاه کرمان میزبان بزرگان معدن و فولاد













برگزارکننده نمایشگاهی در گفت‌وگو با «روزگار معدن» مطرح کرد:

نقش بی‌بدیل نمایشگاه در توسعه معدنی استان کرمان



محمود بندرچی: در ارتباط با برگزاری نمایشگاه بین‌المللی متالورژی، فولاد، ریخته‌گری، ماشین‌آلات و صنایع وابسته در استان کرمان گفت: یکی از مهم‌ترین اهداف برگزاری این نمایشگاه معرفی ظرفیت‌های استان کرمان است. در پی تکمیل و رشد زنجیره فولاد کشور استان کرمان می‌تواند به ظرفیت تولید ۱۰ میلیون تن از ۵۵ میلیون تن افق ۱۴۰۴ فولاد کشور دست یابد و عنوان قطب فولاد کشور را از آن خود کند.



تنوع معادن مختلف ازجمله مس در سرچشمه رفسنجان و شهربابک، زغال‌سنگ در زرند، کوهبنان و راور؛ سنگ‌آهن در سیرجان و زرند؛ کرومیت در اسفندقه، فاریاب و صوغان و همچنین ماده معدنی تیتانیوم در جنوب استان کرمان، تنها گوشه‌ای از منابع عظیم معدنی این استان است.

استان کرمان به لحاظ حجم، تنوع ذخایر، میزان استخراج، ارزش‌افزوده و تأثیر در تولید ناخالص داخلی با فاصله زیادی نسبت به استان‌های دیگر رتبه نخست کشور را دارد و مجموع این ظرفیت‌ها کافی است تا این استان هرساله میزبان برگزاری نمایشگاه بین‌المللی متالورژی، فولاد، ریخته‌گری، ماشین‌آلات و صنایع وابسته در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی جنوب شرق باشد. این رویداد نمایشگاهی از تاریخ ۱۶ تا ۱۹ بهمن‌ماه در محل نمایشگاه‌های بین‌المللی جنوب شرق-کرمان برگزار خواهد شد.

در این رویداد مهم که به همت شرکت رستاک پاد ویژن برگزار می‌شود شرکت‌های بزرگ فولادی کشور از آخرین دستاوردها و توانمندی‌های خود رونمایی می‌کنند و دانش و دانسته‌های جدید فولادی را به بحث و اشتراک می‌گذارند. برای اطلاع از کم و کیف برگزاری این رویداد مهم با محمود بندرچی، برگزارکننده نمایشگاهی و فعال این عرصه، به گفت‌وگو نشستیم.

▣ هدف اصلی نمایشگاه

محمود بندرچی اظهار کرد: این نمایشگاه تحت عنوان متالورژی، فولاد، ریخته‌گری، ماشین‌آلات و صنایع وابسته برگزار می‌شود و قریب به ۷۰ شرکت فعال در این حوزه که زنجیره فولاد کشور را تشکیل می‌دهند در این نمایشگاه حضور دارند. شرکت‌های مطرحی چون میدکو و زیرمجموعه‌های آن، گهر زمین، جهان فولاد سیرجان و... در محل برگزاری نمایشگاه گرد هم آمده‌اند و امکان بازدید از ساعت چهار بعدازظهر تا نه شب برای علاقه‌مندان فراهم است.

این نمایشگاه از سه سالن برخوردار است و بیش از ۱۰ هزار مترمربع فضای مفید برای فعالان این عرصه در نظر گرفتیم و تمام تلاشمان بر این بوده تا تمام فعالان این حوزه در این رویداد حضور داشته باشند.

وی در ادامه افزود: استان کرمان، به‌عنوان استانی معدنی در منطقه جنوب شرقی کشور شناخته می‌شود و با توجه به این امر در آینده می‌توان این استان را یکی قطب‌های فولادی کشور دانست. درواقع، یکی از مهم‌ترین اهداف برگزاری این نمایشگاه معرفی ظرفیت‌های استان کرمان است. در پی تکمیل و رشد زنجیره فولاد کشور استان کرمان می‌تواند به ظرفیت تولید ۱۰ میلیون تن از ۵۵ میلیون تن افق ۱۴۰۴ فولاد کشور دست یابد و عنوان قطب فولاد کشور را از آن خود کند.

▣ ایجاد اشتغال پایدار با برگزاری نمایشگاه

این برگزارکننده نمایشگاهی در ادامه و در پاسخ به سؤال خبرنگار صمت مبنی بر اینکه آیا استان کرمان توانسته متناسب با ظرفیت و ظرفیتی که دارد به جایگاه شایسته و بایسته دست یابد، گفت: کرمان در حوزه معدن جایگاه واقعی خود را به‌دست آورده است.

ما از سال ۱۳۹۶ که نخستین دوره نمایشگاه معدن، صنایع معدنی و فرآوری مواد معدنی کردیم سهم صنایع تکمیلی و تجهیزات و ادوات معدنی در استان کرمان به ۵ درصد هم نمی‌رسید. از سال ۹۶ تا ۱۴۰۱ بنا به آمار منتشر شده و به گفته مسئولان، این سهم به بالای ۳۰ درصد رسیده است.

این موضوع نشان‌دهنده این است که ثروت‌های معدنی این استان به واسطه برگزاری نمایشگاه به همین استان بازگردانده شده و به همین واسطه اشتغال پایدار بیشتری را نیز ایجاد کرده است.

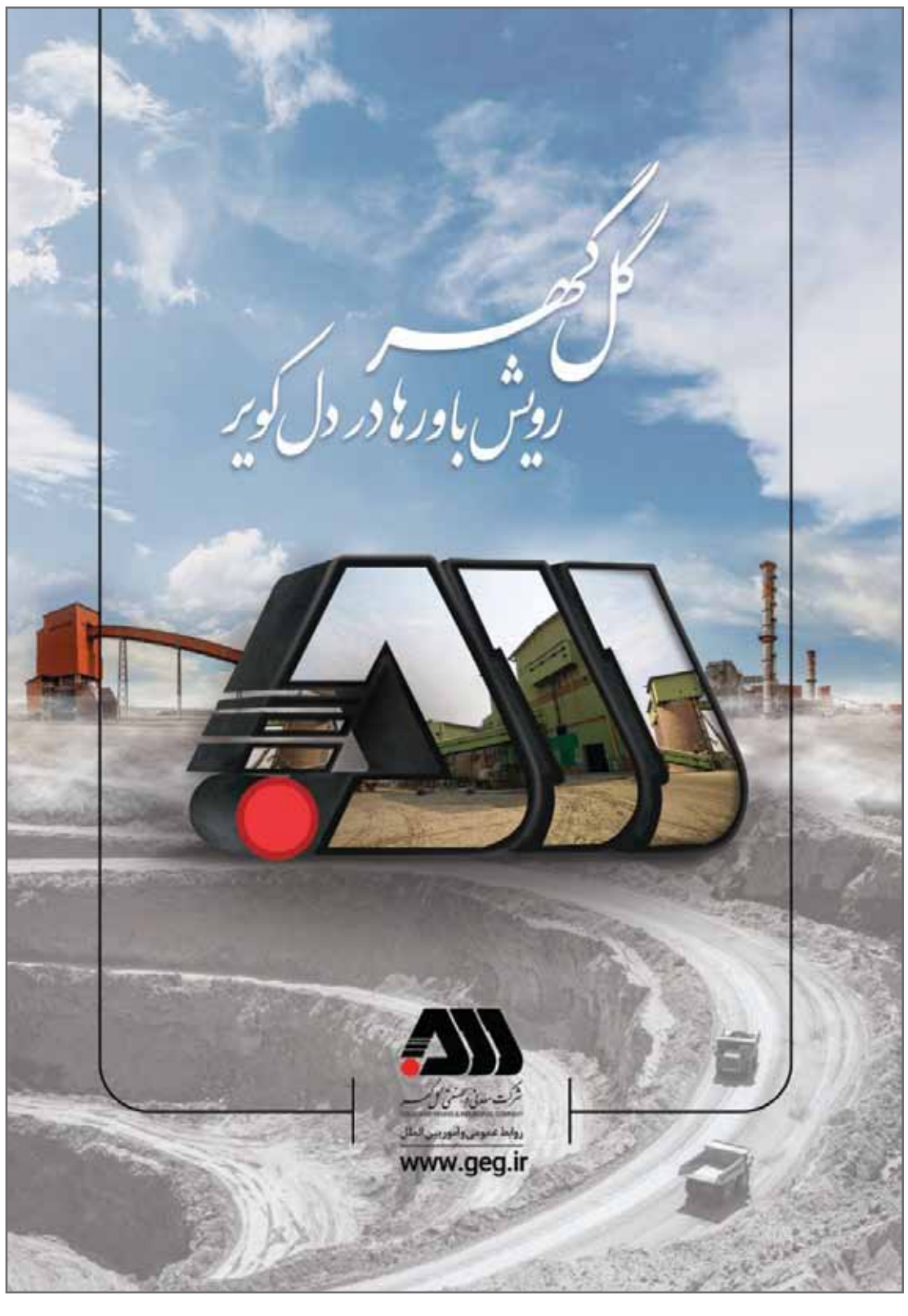
▣ تأثیر برگزاری این نمایشگاه بر رشد و رونق حوزه معدن

بندرچی در بخش دیگری از صحبت‌های خود به تأثیر برگزاری این نمایشگاه بر رشد و رونق حوزه معدن و بخش‌های وابسته اشاره کرد و گفت: اگر ما هدف و برنامه مشخصی داشته باشیم و این برنامه‌های توسعه‌ای قابلیت اجرا داشته باشند؛ نمایشگاه‌ها به عنوان کاتالیزور وارد عمل خواهند شد و بستر را برای رشد و توسعه مدنظر فراهم خواهند کرد.

همان‌طور که پیشتر عنوان شد استان کرمان یک استان کاملاً معدنی است و این موضوع نقطه قوت برگزاری نمایشگاه معدن در این استان است.

اما فضای نمایشگاهی سایت این استان برای برگزاری نمایشگاه معدن مناسب نیست. وسعت نمایشگاه کرمان حداقل باید ۲۰ هزار متر فضای مفید داشته باشد و این در حالی است که درحال‌حاضر فضای مفید این سایت بسیار کمتر از این عدد است.

وی در پایان خاطرنشان کرد: تلاش کرده‌ایم تا با برگزاری نمایشگاه‌ها خروجی مطلوب را به‌دست آوریم و تا جایی که امکان دارد بازدیدکنندگان موثری جذب کنیم. همچنین شرایطی فراهم آوریم تا تمام فعالان این عرصه از بسترهای موجود؛ نهایت استفاده را ببرند.





صمت
صنعت معدن تجارت
نمایشگاه تخصصی متالوژی، فولاد، ریخته گری، ماشین‌آلات و صنایع وابسته
چهارشنبه ۳
۱۹ بهمن ۱۴۰۱
۱۷ رجب ۱۴۴۴
۸ فوریه ۲۰۲۳



در گفت‌وگوی «روزگار معدن» با نایب‌رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی مطرح شد:

نمایشگاه ابزاری برای ذهنیت‌سازی در سطح جهانی



شهباز حسن‌پور: یکی از دلایل رشد و توسعه سریع اقتصاد چین توجه ویژه دولت این کشور به برگزاری رویدادهای تجاری و نمایشگاهی و حضور در رویدادهای بین‌المللی است اگر آلمان در حال حاضر چهارمین اقتصاد دنیا را دارد به‌این‌علت است که بزرگ‌ترین مرکز نمایشگاهی دنیا را فعال کرده است نمایشگاه ابزاری برای ذهنیت سازی در سطح جهانی است.

نمایشگاه متالوژی، فولاد، ریخته‌گری، ماشین‌آلات و صنایع وابسته کرمان از ۱۶ تا ۱۹ بهمن‌ماه در حال برگزاری است، در همین راستا با نماینده مردم سیرجان و عضو کمیسیون اقتصادی مجلس به گفت‌وگو پرداختیم.

شهباز حسن‌پور، در گفتگو با خبرنگار روزگار معدن در مورد اهمیت برگزاری نمایشگاه متالوژی، فولاد، ریخته‌گری، ماشین‌آلات و صنایع وابسته که در استان کرمان در حال برگزاری است، اظهار کرد: حضور در نمایشگاه از مهم‌ترین ابزارهای بازاریابی برای تولیدات داخلی، شناخت بازارهای جدید و ارزیابی آنها و نوعی خودارزیابی از وضعیت کمی و کیفی کالای تولیدی و قدرت رقابت در مواجهه با بازارهای بین‌المللی است.

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای هر نمایشگاه ارتباطات موثر، گسترده و پایداری است که بین تجار و فعالان اقتصادی در نمایشگاه‌ها شکل می‌گیرد و منجر به همکاری گسترده و درازمدت می‌شود همکاری‌هایی که می‌تواند به توسعه صادرات و تبادلات علمی، تجاری، فناوری و حتی فرهنگی کمک کند.

وی ادامه داد: حال که تحریم‌ها درصدد ایجاد مانع برای توسعه تجارت ایران است و سیاست کشورمان نیز بر مبنای توسعه کالای داخلی، صادرات محور و رهایی از صادرات نفتی است.

صنعت نمایشگاهی نقش مهمی برای شکستن تحریم‌ها ایفا می‌کند به‌نحوی‌که با معرفی مزیت کالایی و تولیدی در مواجهه با بازارهای بین‌المللی می‌توان شیوه‌های دور زدن تحریم‌ها و فرصت‌های جدید برای اقتصاد کشور را یافت و در جهت تحقق آنها تلاش کرد.

راه بومی‌سازی تنها از مسیر مهندسی معکوس طی نمی‌شود و می‌توان از پتانسیل‌های موجود در جایگزینی و مهندسی مجدد، تولید علم و تکنولوژی و انتقال تکنولوژی نیز بهره برد اگرچه ماهیت برگزاری رویدادهای تخصصی در حوزه صنعت فولاد مطلوب است اما باید این نمایشگاه‌ها هدفمند و با خط مشی مدون برگزار شود و زمانی به هدف نزدیک می‌شوند که طرح و برنامه مشخص برای آنها ترسیم شده باشد.

نماینده مجلس یازدهم شورای اسلامی بیان کرد: صنعت فولاد یکی از پراهمیت‌ترین صنایع کشور است سال‌ها تجربه و تلاش به همراه دانش و تجربه از این صنعت، فولاد آب دیده‌ای ساخته که حتی در دوران تحریم‌ها هم باوجود تمام سختی‌ها همچنان روی پای خود ایستاده و ایستادگی می‌کند. برگزاری نمایشگاه‌ها نقش موثری درافزایش شناخت تولیدکنندگان نسبت به صنایع بزرگ خواهد داشت.

دانش، از پایه‌های صنعت است که با بهره‌گیری از آن به تکنولوژی و از تکنولوژی به صنعت پیشرفته خواهیم رسید در این میان تبادل آرا، تجارب آرا، نیازمندی‌ها مطرح می‌شود و تامین‌کنندگان، پژوهشگران و افرادی که از پتانسیل علمی و پژوهشی برخوردار هستند می‌توانند نظرات خود را ارائه کنند.

نمایشگاه پازلی از توسعه اقتصاد

حسن‌پور در مورد مهم‌ترین چالش‌های کنونی برگزاری نمایشگاه در استان کرمان اظهار کرد: نقش نمایشگاه در توسعه اقتصادی اثبات شده است و قسمت مهمی از پازل توسعه اقتصادی به شمار می‌رود علت توسعه اقتصادی کشورهای پیشرفته را می‌توان در توجه به رویدادهای تجاری پیدا کرد اگر کالای یک کشور در دنیا شناخته شده، کانال شناخت آن محصول یا خدمات، برگزاری رویدادهای تجاری و اقتصادی چه در کشور مبدا (تولیدکننده) و چه در کشوری که محصولات به آن صادر می‌شود بوده است.

یکی از دلایل رشد و توسعه سریع اقتصاد چین توجه ویژه دولت این کشور به برگزاری رویدادهای تجاری و نمایشگاهی و حضور در رویدادهای بین‌المللی است اگر آلمان در حال حاضر چهارمین اقتصاد دنیا را دارد به این علت است که بزرگ‌ترین مرکز نمایشگاهی دنیا را فعال کرده است نمایشگاه ابزاری برای ذهنیت سازی در سطح جهانی است که می‌تواند مالکیت کالایی را از شما بگیرد و به دیگری بسپارد.

> نمایشگاه صرفاً جایی برای خریدوفروش نیست بلکه فضایی است که برای صنعت سیاست‌گذاری می‌کند و پیشران صنعت می‌شود.
> البته در صنعت نمایشگاهی چالش‌هایی هم داریم. برای مثال می‌توان به تحریم‌ها که صنعت را تحت تاثیر قرار داده، همچنین عدم بازدید عموم مردم از نمایشگاه‌های تخصصی و تنها متخصصان یک حوزه با دعوت‌نامه در آن شرکت می‌کنند، اشاره کرد

وی افزود: نمایشگاه صرفاً جایی برای خریدوفروش نیست بلکه فضایی است که برای صنعت سیاست‌گذاری می‌کند و پیشران صنعت می‌شود.

البته در صنعت نمایشگاهی چالش‌هایی هم داریم. برای مثال می‌توان به تحریم‌ها که صنعت را تحت تاثیر قرار داده، همچنین عدم بازدید عموم مردم از نمایشگاه‌های تخصصی و تنها متخصصان یک حوزه با دعوت‌نامه در آن شرکت می‌کنند، اشاره کرد.

عدم تقویم نمایشگاهی مناسب ایجاب می‌کند تقویم پنج ساله‌ای را مشخص کنیم تا صنعت نمایشگاهی بتواند برنامه‌ریزی منظم پنج ساله‌ای را برای حضور مشارکت‌کنندگان خارجی و داخلی داشته باشد طرح نمایشگاهی زمانی پیشرفت می‌کند که در آن برنامه‌ریزی مناسب وجود داشته باشد.

البته مشکلات و چالش‌های موجود در حوزه صنعت و معدن در صنعت نمایشگاهی استان تاثیرگذار بوده که از آن جمله می‌توان به توان اندک تولیدکنندگان در عرصه صادرات و عدم استفاده صحیح از موقعیت ترانزیتی استان، عدم آشنایی ذی‌نفعان به قوانین و مقررات، نبود برند برای محصولات کشاورزی، توجه ناکافی به بسته‌بندی، عدم رعایت استانداردهای لازم کشورهای مورد تقاضا و مشکلات بازاریابی محصولات کشاورزی و گلخانه‌ای، کم بودن توان سرمایه‌ای صادرکنندگان درزمینه بازاریابی، تحقیقات و بازارهای جدید اشاره نمود از طرف دیگر کمبود صنایع تبدیلی، تکمیلی و فرآوری کافی در استان، وجود صنایع تبدیلی به جلوگیری از اشباع شدن بازار مصرف، کاهش ضایعات محصولات کشاورزی، جلوگیری از واسطه‌گری و امنیت شغلی و جلوگیری از مهاجرت می‌انجامد.

نایب‌رئیس اول کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی ادامه داد: کمبود نقدینگی و معضلات مالی در بخش صنعت و نبود منابع بانکی یکی از بزرگ‌ترین مشکلات حوزه تولید در استان است عدم مدیریت مناسب، نداشتن برنامه‌ای جامع با توجه به شرایط و شناخت بازار در فروش محصولات تولیدی، کمبود توان مالی سرمایه‌گذاران محلی و نبود آموزش کافی در زمینه فعالیت صنعتی مورد اشاره است.

نماینده مردم سیرجان خاطرنشان کرد: یکی از چالش‌ها و مشکلات اساسی که استان با آن روبه‌رو است پروژه‌های ناتمام است.

اگر به بخشی از پروژه‌های نیمه‌تمام نگریسته شود خواهیم دانست که بیشتر این پروژه‌ها از امکان لازم برخوردار نبوده و اکنون به خاطر عدم مدیریت صحیح پروژه، کمبود منابع و اعتباربخشی لازم نتوانسته در زمان مقرر به سرانجام رسند.

استفاده از سرمایه‌گذاران خارجی برای ارتقاء تکنولوژی واحدهای موجود و سرمایه‌گذاری در عرصه‌هایی که استان مزیت نسبی و رقابتی دارد.

مهم‌ترین معیارهای ارزیابی برندینگ نمایشگاهی

وی در مورد نقش نمایشگاه در برندینگ اظهار کرد: جایگاه‌یابی درست برند، تضمین کننده منافع بلندمدت است. شناسایی و دستیابی به مشتریان بالقوه برای ایجاد ارتباط قوی احساسی در برندینگ نمایشگاهی از اهمیت بالایی برخوردار است.

در ایونت‌های بازاریابی برندها از طریق برقراری ارتباط فردبه‌فرد با مشتریان و مخاطبان به دنبال ایجاد یک تجربه مثبت و ارائه تصویر مناسبی از برند هستند درهم آمیختن فضای مجازی و دیجیتال با رویدادهای ملموس امکان تست محصول و تجربه استفاده از آن به برندها امکان می‌دهد تا در چندین سطح (عاطفی، منطقی و روان‌شناختی) به مخاطبان و مشتریان خود دست یابند.

پروموت محصولات با هدف آگاهی از برند ایجاد قیف فروش و تبدیل مشتریان بالقوه به وفادار افزایش فروش انجام می‌شود.

فعالیت‌های پروموت محصولات به مصرف‌کنندگان و مشتریان نهایی، اغلب دربردارنده برنامه‌های وفادار سازی مشتریان، ارائه پیشنهادهای ویژه و سمپلینگ محصولات در نقاط فروش هستند.

استفاده از تکنیک‌های خلاقانه مارکتینگ در پروموشن محصولات و به‌طورکلی موفقیت برندینگ نمایشگاهی بسیار موثر است برخی از مهم‌ترین معیارهای ارزیابی برندینگ نمایشگاهی می‌توان به:

۱. میزان دسترسی به مشتری
۲. مرتبط بودن با برند
۳. برگشت سرمایه
۴. پتانسیل بلندمدت
۵. قابلیت انسجام
۶. متمایز بودن اشاره نمود.

حسن‌پور در مورد ظرفیت استان در حوزه معادن و صنایع معدنی اظهار کرد: استان کرمان به دلیل داشتن منابع معدنی فلزی و غیرفلزی یکی از غنی‌ترین استان‌های معدنی کشور و به تعبیری بهشت معدن کاران شناخته شده است. مواد معدنی مانند مس، آهن، زغال‌سنگ، کروم، سرب و... می‌توانند تامین کننده مواد خام بخش صنعت در صنایع تبدیلی باشد معادن استان در تامین مواد اولیه مورد نیاز کشور نقش ارزنده‌ای بر عهده دارند معادن سرشار آهن، زغال‌سنگ، مس و دیگر فلزات چرخ‌های صنعت استان و کشور را به گردش درمی‌آورند معادن زغال‌سنگ نیازهای ذوب‌آهن اصفهان را تامین می‌کند.

منابع مس سرچشمه از غنی‌ترین و خالص‌ترین معادن مس در جهان به شمار می‌رود گل گهر سیرجان یکی از مطرح‌ترین قطب‌های فعال معدنی و صنعتی در خاورمیانه است.

ذخیره ۱/۲ میلیارد تن این شرکت را به یکی از پیشرفته‌ترین کارخانجات تولید آهن و فولاد در سطح منطقه تبدیل کرده است.

وی ادامه داد: استان کرمان به دلیل دارا بودن ۴۲ نوع ماده معدنی یکی از متنوع‌ترین استان‌های کشور در این زمینه است وجود اراضی مناسب برای راه‌اندازی واحدهای بزرگ و کوچک در شهرک‌ها و نواحی صنعتی و چه در مناطق آزاد و اراضی خصوصی همراه با امکانات دیگر بیانگر این واقعیت است که استان کرمان نه‌تنها بهشت معدن کاران به شمار می‌رود بلکه می‌تواند برای صاحبان صنایع نیز بهشت دیگری باشد باوجوداین ذخایر غنی در استان چالش‌هایی نیز وجود دارد.

از مهم‌ترین این نوع چالش‌ها در استان می‌توان به بالا بودن سهم صادرات مواد خام و کمتر فرآوری شده و سهم بسیار پایین صادرات صنایع با فناوری بالا و متوسط به بالا، ضعف فرآوری و تبدیل مواد معدنی استخراجی از معادن و صدور مواد خام معدنی یا مواد معدنی با حداقل فرآوری از استان به استان‌های دیگر یا صادرات اشاره نمود.

نماینده مجلس شورای اسلامی ادامه داد: بلوکه شدن و عدم تعیین تکلیف بخش زیادی از معادن استان به‌وسیله برخی از سازمان‌ها باعث شده محدودیت‌های زیادی در زمینه بهره‌برداری از معادن ایجاد شود.

برای توسعه بخش معدن و صنایع معدنی، به سرمایه‌گذاری دولت در حوزه اکتشاف نیاز است چراکه به دلیل ریسک بالای اکتشافات و به نتیجه نرسیدن آن به‌رغم صرف هزینه‌ای فراوان، بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در این حوزه کمتر رغبت پیدا می‌کند.

عدم بازگشت حقوق دولتی به اعتبارات استان، بیش از ۷۰درصد حقوق دولتی معادن کشور به‌وسیله استان پرداخت می‌شود اما استان سهمی از این حقوق دولتی ندارد.

می‌طلبد برای رسیدن به نتیجه مطلوب در این خصوص، اختیارات شورای عالی معادن به استان‌ها تفویض شود لازم است این تفویض با سرعت بیشتری انجام تا تصمیم‌گیری درباره مناطق بلوکه شده به‌سرعت انجام گیرد.

علاوه بر موارد ذکرشده در زمینه معادن و صنایع فولادی چهار چالش اصلی وجود دارد؛

۱. ضعف در زیرساخت‌ها
۲. قیمت‌گذاری دستوری
۳. امضاء طلایی ۴. عدم توجه به تشکل‌ها توسط دولت این مسائل می‌تواند به مقدار قابل‌توجهی تولید را کاهش دهد به خاطر عدم توجه به زیرساخت‌ها، تولیدات سنگ‌آهن کشور حدوداً ۳۰ تا ۴۰ درصد از پتانسیل موجود در این بخش کمتراست از مشکلات دیگر می‌توان به نرخ حمل‌ونقل دریایی،بالا بودن بیمه حمل‌ونقل خارجی، راه‌سازی، جاده‌سازی، ایجاد ریل و اسکله، تامین آب، برق و گاز، مسائل جدی صنایع فولاد کشور است.

نایب‌رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی در پایان اظهار کرد: سوال اینجانب این است که چرا با وجود نیروی کار با دانش و مصمم، ذخایر معدنی ناب و برنامه دقیق و مدون، افراد تأثیرگذار نگاه خود را به بخش معدن و صنایع معدنی عوض نمی‌کنند و رویه برخورد با این صنعت را بهبود نمی‌بخشند تا چرخ‌دنده‌ها به ترتیب و منظم حرکت کنند و اختلالی در تولید ثروت در کشور ایجاد نشود چرا وعده فراهم آوردن زیرساخت‌ها عملی نمی‌شود، چرا دولت در اجرای طرح‌های توسعه‌ای که کمک بسزایی به رونق تولید و تقاضای فولاد و دیگر محصولات معدنی و صنعتی می‌کند تمام‌قد ورود پیدا نکرده است و چرا این سوال‌ها از سال‌های پیش تا به امروز بی‌پاسخ مانده‌اند.

ماموریتی بزرگ برای مرکز بررسی‌های استراتژیک


شهرام شریعتی


انوشیروان دلیریان

انوشیروان دلیریان، کارشناس و صاحب‌نظر مسائل معدن در گفتگو با روزگارمعدن گفت: به‌طور خلاصه آمایش سرزمین دیدگاهی توسعه‌ای است که رویکرد آن تقسیم بهینه ظرفیت‌های کشور در میان جمعیت ساکن آن است. نظر به اهمیت این حوزه باید آن را به مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری سپرد.

شاید شنیده باشید که بال زدن یک پروانه می‌تواند در کشوری دیگر طوفان به‌پا کند. این موضوع که «اثر پروانه‌ای» نام دارد سنگ‌بنای نظریه آشوب است. براساس این نظریه تغییری هرچند کوچک مثل (بال زدن یک پروانه) در سیستمی بزرگ (مثل جو زمین) می‌تواند موجب تغییراتی شدید (مثل وقوع طوفان در کشوری دیگر) در آینده شود. بر این اساس می‌توان تصور کرد هر نوع آسیب زیست‌محیطی که در این گوشه دنیا برای ما اتفاق افتد. کل کره زمین و آحاد بشر را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. چون همه ساکن همین یک خانه سبز و آبی هستیم و دود ویرانی آن به چشم همه ما می‌رود اما پای «زمان» هم در میان است و نباید فراموش کنیم که ما امروز در خط مقدم آسیب‌های محیط‌زیستی ایستاده‌ایم.

زمان جبران برای ما رو به پایان است. برای رویارویی با ابر چالش محیط‌زیستی چاره‌ای جز این نیست که عزمی ملی جزم شود و به این منظور همسویی و همگرایی لازم است. آمایش سرزمین برنامه همگرایی ملی است تا جهت‌گیری ما از هر نقطه‌ای که هستیم بر یک هدف متمرکز کند. بحران‌های محیط‌زیستی امروز که حاصل استفاده غیرمنطقی از زمین است، موضوع ارزیابی توان بوم‌شناختی و آمایش کاربری‌ها را بیش‌ازپیش ضروری کرده است. معدن هم که در ارتباط تنگاتنگ با محیط‌زیست قرار دارد، بیش و پیش از سایر شاخه‌های صنعت نیازمند بهره‌مندی از اطلاعات آمایش سرزمین است. گفتگوی روزگارمعدن با دو تن از صاحب‌نظران حوزه معدن درباره آمایش سرزمین، گویای اهمیت و ضرورت آن است.

▣ آمایش سرزمین چیست؟

شهرام شریعتی، کارشناس و صاحب‌نظر مسائل معدن گفت: موضوع آمایش یکی از اصول قانون اساسی است. آمایش به‌طورکلی جزء اصول رفتاری، قانونی، برنامه‌ریزی و برنامه‌گذاری هر کشوری است. وقتی درباره آمایش صحبت می‌کنیم به این معنی است که تمام مردم کشور باید از منافع هر سرمایه‌گذاری که در منطقه‌ای خاص انجام می‌شود، بهره ببرند. برای مثال، نفت ثروت ملی است، یعنی فقط مال خوزستان نیست و به همه مردم ایران تعلق دارد. همین‌طور معادن فقط متعلق به مردم یک منطقه نیست، بنابراین باید در قوانین سهم همه مناطق و در بحث آمایش باید تمام مردم کشور در نظر گرفته شوند.

این کلیات بحث آمایش است. اما وقتی با جزئیات بیشتری به موضوع نگاه کنیم، روشن می‌شود که باید درباره معادن، نفت، جنگل‌ها و کلیه انفال بررسی جامعی انجام شود که وقتی ما بنا است حق مردم را در این منابع در نظر بگیریم، سهم‌گذاری منطقی باشد. وقتی طرح آمایش معادن مطرح می‌شود، باید مشخص کنیم که نقاط قوت و ضعف و موضوعات امیدوارکننده یا مخاطره‌آمیز در این زمینه چیست؟

وی در ادامه اظهار داشت: آمایش سرزمین مطالعه‌ای کلی است. پس بررسی سند؛ آمایش سرزمین که در استان‌های مختلف برگزار می‌شود. نمی‌تواند معنای درستی داشته باشد زیرا این سند نباید از کلیات وارد جزئیات می‌شود. بررسی منطقه‌ای درست مثل آن است که یک‌تکه مقوا به کسی بدهند و از او بخواهند قطعه‌ای بسازد که یک پازل بزرگ را کامل کند. این کار اصلاً شدنی نیست. اول باید تصویر کلی پازل ساخته شود و بعد آن را برش زد و به قطعات کوچک تقسیم کرد. باید اول کل سرزمین را آمایش کنیم و بعد تیغ دستمان بگیریم و باظرافت هر قطعه را جدا کنیم. طرح آمایش ابتدا ملی است و بعد منطقه‌ای می‌شود. یعنی اول باید همه موارد را به‌صورت کلان بررسی و جایگاه کشورمان را در کل منطقه و دنیا مشخص کنیم و بعد وارد بحث تفکیک منطقه آن بشویم.

▣ اصل مهم اما مغفول

کارشناس معدن با اشاره به‌غفلت متصدیان این حوزه نسبت به اهمیت آمایش تشریح کرد: آمایش یکی از آن اصول قانون اساسی است که مغفول مانده و کسی دیگر سراغ آن نمی‌رود و بنابراین هر بخشی (صنعتی، معدنی یا دیگر بخش‌ها) می‌پرسند آمایش یعنی چه؟ ما هنوز نقشه جامع اداره کشور را تدوین نکرده‌ایم تا چه رسد به نقشه جامع اداره آب، معادن و موضوعات اساسی کشور. وقتی درباره موضوع تدوین قانون اساسی صحبت می‌کنم مربوط به سال ۵۸ است، وقتی درباره بازنگری قانون صحبت می‌کنم، مربوط به سال ۶۸ است و در تمام این مدت موضوع آمایش جزء مفاد قانون اساسی ما بوده است. پس چرا هنوز برنامه‌ریزی نشده است؟ وی اظهار داشت: این کاری نیست که به یک یا چند وزارتخانه واگذار شود. با توجه به وسعت و اهمیت، کار باید بر عهده مرکز استراتژیک ریاست‌جمهوری یا سازمان پژوهش‌های مجلس قرار گیرد، بنابراین معلوم نیست که استان‌ها چطور بدون پیش‌نیازهای لازم وارد گود شده‌اند و سرگرم موضوع آمایش سرزمین شده‌اند؟ چارچوب اصلی کار باید از سوی نهادی با چشم‌انداز کلان تهیه شود و مشخص کنیم که ما کجا هستیم و قرار است کجا باشیم. شریعتی ادامه داد: فرض کنید قرار است برای یک نفر برنامه زندگی تدوین شود، باید همه وجوه و جوانب فردی و اجتماعی این شخص موردتوجه قرار گیرد. باید در نظر داشت که وقتی درباره آمایش سرزمین صحبت می‌کنیم، پای ۸۰ میلیون نفر در میان است و بر این اساس به معنی دقیق کلمه باید همه‌جانبه باشد. اگر بحث توسعه همه‌جانبه کشور در میان است، باید همه دیدگاه‌ها در کنار هم بنشینند و با یک مدیریت کلان و حرفه‌ای وجوه مختلف را بررسی کنند. نخستین قدم برای تهیه نقشه راه کشور و آمایش سرزمین، یافتن پاسخ سوالاتی است که مولانا در این بیت پرسیده است: از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود / به کجا می‌روم آخر ننمایی وطنم.

▣ ضرورت آمایش سرزمین

انوشیروان دلیریان گفت: آمایش سرزمین بهینه‌ترین شکل مطالعه است که با توجه به شناخت منابع، شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و اقلیمی ـ و به‌طورکلی همه موضوعات تاثیرگذار روی جمعیت یک سرزمین ـ انجام می‌شود. به‌طور خلاصه آمایش سرزمین دیدگاهی توسعه‌ای است که رویکرد آن تقسیم بهینه ظرفیت‌های کشور در میان جمعیت ساکن آن است. برای مثال، ۹۰ درصد جمعیت کل کشور ما در ۴۵ درصد پهنه خاکی این کشور ساکن هستند و ۵۵ درصد دیگر، تنها در ۱۰ درصد این سرزمین ساکن هستند یا اینکه ۸۶ درصد از شاغلان کشور در نیمه غربی و شمالی ایران قرار دارند و کمتر از ۱۳درصد در نیمه شرقی و جنوبی یا ۶۹ درصد برق‌رسانی در نیمه غربی و شمالی است و ۳۱ درصد در نیمه شرقی و جنوبی. این‌ها نمونه‌ای از اطلاعاتی است که می‌تواند تحت‌الشعاع اطلاعات آمایشی ارائه شود. با همین چند نمونه مشخص می‌شود که چه اطلاعات مهم و متنوعی از آمایش سرزمین به‌دست می‌آید و دانستن آن تا کجا می‌تواند به تصمیم گیران کمک کند.

▣ دیدگاه راهبردی

دلیریان اظهار داشت: آمایش سرزمین در اصل دیدگاه راهبردی حاکمیت‌ها بر پهنه سرزمینی است که بر آن حاکم هستند. این نشان می‌دهد که متولی اجرای چنین فرآیندی نهادهای حاکمیتی، دولت‌ها و همه ارگان‌ها، سازمان‌ها و نهادهای زیرمجموعه آنها - در حوزه‌های تخصصی - است که اطلاعات هریک در قالب لایه‌های اطلاعاتی یک پنجره واحد تجمیع تا روشن شود در جای‌جای کشور در موضوعات کلانی مانند آب، برق، معادن، راه‌ها، امنیت و امثال آنچه نقاط ضعف و قوت و چه ویژگی‌هایی داریم. در سال ۸۳ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ضوابط ملی آمایش سرزمین را تدوین کرد و به تصویب مجلس هم رسید. درنهایت مقرر شد وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای درگیر با توجه به موضوع، اطلاعات تخصصی موردنظر را کسب کنند و درنهایت در لایه‌های اطلاعاتی پنجره واحد قرار دهند تا به‌عنوان پایگاه داده‌های آمایش سرزمین مورداستفاده قرار گیرد.

▣ آمایش سرزمین و صنایع مادر

دلیریان در ادامه افزود: آمایش سرزمین و حوزه معدن و صنایع وابسته، لازم و ملزوم یکدیگر هستند، زیرا صنایعی ازاین‌دست جزو حوزه‌های مولد و مادر به شمار می‌روند و سایر حوزه‌ها را تحت‌تاثیر خود قرار می‌دهند و صنایع بالادستی بسیاری از فعالیت‌های صنعتی در دنیای امروز هستند، بنابراین در این موارد دانستن اینکه در چه نقطه‌ای از کشور به چه میزان از زیرساخت‌های موردنیاز دسترسی داریم و اینکه چگونه می‌توانیم از آن استفاده کنیم، بسیار حائز اهمیت است. برای مثال اگر طرح آمایش سرزمین مناسبی داشتیم، بعضی از کارخانه‌ها فرآوری که آب‌بر هستند را در نواحی خشک و مرکزی ایران برپا نمی‌کردیم و جانمایی درست‌تری برای آن انجام می‌دادیم. پس امروز آمایش سرزمینی در حوزه معدن کمک می‌کند که بدانیم در چه نقاطی از کشور ظرفیت معدنی داریم و آیا از پیش‌نیازهای لازم برای بهره‌برداری از معادن برخوردار هستیم یا خیر. کدام منطقه مستعد توسعه است. نقاط قوت و ضعف در حوزه معدن چیست و چگونه باید نیازهای معدنکاری را در هر نقطه‌ای مرتفع کرد. به‌طور خلاصه هرجایی که قرار است واحد معدنی احداث شود، چه در اشل بزرگ ـ که به‌طورمعمول دولتی است ـ و چه در اشل کوچک، به‌طورقطع دسترسی به اطلاعات آمایشی بسیار راهگشا خواهد بود.





صمت
صنعت معدن تجارت

نمایشگاه تخصصی متالوژی،
فولاد، ریخته گری،
ماشین‌آلات و صنایع وابسته

چهارشنبه
۵
۱۹ بهمن ۱۴۰۱
۱۷ رجب ۱۴۴۴
۸ فوریه ۲۰۲۳

نسخه جدید دولت برای فولادی‌ها

براساس تصمیم دولت، نرخ گاز واحدهای فولادی در بودجه ۱۴۰۲ با افزایش ۷۵ درصدی همراه است که بررسی وضعیت این صنعت نشان می‌دهد این موضوع تبعات جدی برای بازارهای داخلی و صادراتی به همراه دارد و می‌تواند بر حجم صادرات و ارزآوری این صنعت اثرگذار باشد. این در حالی است که با افزایش نرخ گاز نه تنها میزان مصرف در واحدهای فولادی کاهش نمی‌یابد، بلکه هزینه‌های تولید چندبرابر خواهد شد. روزگار معدن در این گزارش به نسخه جدید دولت برای فولادی‌ها در بودجه ۱۴۰۲ پرداخته است. رایزنی درباره تصمیمات دولت در بودجه ۱۴۰۲، کمابیش از ماه‌ها قبل آغاز و پیش‌بینی می‌شد، برخی اعداد و ارقام در هزینه‌های تولید افزایشی باشد. به گزارش روزگار معدن، در حالی سیدابراهیم رئیسی، رئیس جمهوری بودجه ۱۴۰۲ را تقدیم مجلس کرد که نرخ گاز برای واحدهای فولادی با افزایش همراه شده است. دولت در لایحه بودجه سال ۱۴۰۲، نرخ گاز صنایع فولاد را ۷۵ درصد افزایش داد. با این افزایش، نرخ گاز فولادی‌ها از ۲۰۰۰ تومان به ازای هر مترمکعب به ۳۵۰۰ تومان به ازای هر مترمکعب افزایش می‌یابد.

طبق تبصره ۱۴ لایحه بودجه، دولت نرخ خوراک پتروشیمی‌ها را با ۴۰ درصد افزایش از ۵۰۰۰ تومان به ۷۰۰۰ تومان به ازای هر مترمکعب افزایش داده است. همزمان، ضریب نرخ گاز صنعت فولاد که ۴۰ درصد نرخ خوراک پتروشیمی‌ها بوده، با ۱۰ واحد درصد افزایش به ۵۰ درصد رسیده و برای بقیه صنایع نیز این ضریب ۱۰ واحد درصد افزایش یافته است.

افزایش ۷۵ درصدی نرخ گاز صنایع فولاد، بیشترین تاثیر را بر واحدهای احیای مستقیم که بالاترین مصرف گاز را در صنعت فولاد دارند.



این افزایش اولا به‌شکل مستقیم حاشیه سود کارخانجات تولیدکننده آهن اسفنجی را کاهش می‌دهد و ثانیا از طریق افزایش هزینه تولید آهن‌اسفنجی که ماده اولیه فولادسازان است، هزینه تولید شمش و محصولات فولادی در کشور را افزایش می‌دهد.

▣ افزایش هزینه فولادی‌ها

اما این تصمیم دولت چه دستاوردی برای صنعت فولاد دارد؟

در حالی دولت تصمیم به افزایش نرخ گاز برای واحدهای فولادی آن هم به‌میزان ۷۵ درصد گرفته که امروز این صنعت، با مشکلات جدی در بخش تامین گاز مواجه است. کمبود گاز در سال‌های گذشته بر اجرای برنامه‌های تولیدی سایه افکند و توانست حجم تولید این صنعت را کاهش دهد. این در حالی است که صنعت فولاد در آستانه رسیدن به چشم‌انداز ۱۴۰۴ و تولید ۵۵ میلیون تن فولاد است. کمبود گاز در گام نخست واحدهای احیای مستقیم را نشانه می‌گیرد و در ادامه می‌تواند تولید را با چالش همراه کند. این در حالی است که بیش از ۹۰ درصد صنعت فولاد ایران برپایه گاز طراحی شده و حالا کمبود گاز می‌تواند خطر جدی برای این صنعت باشد.

از سویی دیگر، در کنار دستیابی به افق ۱۴۰۴، بسیاری از شرکت‌های بزرگ فولادی به‌سراغ طرح‌های توسعه‌ای زیرسقفی و خارج از مجموعه رفته‌اند تا بتوانند سهم خود در بازار را افزایش دهند. حالا باتوجه به بحران گازی موجود در کشور، این سرمایه‌گذاری‌ها می‌تواند از توجیه اقتصادی خارج شود. نکته مهم دیگر آن است که در بحث کمبود برق که بیشتر در تابستان فولادی‌ها را با مشکل همراه می‌کند، سرمایه‌گذاری‌هایی در زمینه احداث نیروگاه‌ها انجام گرفته و تولیدکنندگان فولاد در کشور، خود برای تامین نیاز خود پیشقدم شده‌اند، اما در بحث گاز شرایط کمی متفاوت است و مانند تامین برق، بسترها برای ورود فولادی‌ها فراهم نیست. البته با تشدید این بحران، فولادسازان بزرگ، پیشنهادهایی را به وزارت نفت برای ورود و سرمایه‌گذاری در توسعه میادین گازی مطرح کرده‌اند و این پیشنهادها در آستانه اجرایی شدن است، اما باید زمانبر بودن اجرای پروژه‌ها چه در بحث برق و چه گاز را در نظر داشت، در نتیجه بحران گاز حداقل در چند سال پیش‌رو وجود دارد و شاید تنها راهکارهای کوتاه‌مدت مانند یک مسکن بتوانند درد این صنعت را دوا کنند، اما حل درست و دقیق، نیازمند سرمایه‌گذاری و صرف زمان خواهد بود. حال آن‌طور که پیدا است، دولت در نظر دارد با افزایش نرخ گاز در واحدهای فولادی این کمبود را مدیریت کند؛ این در حالی است که سهم فولاد از میزان مصرف گاز برای تولید هر تن به‌طورکامل مشخص است. در نتیجه، انتظار نمی‌رود با افزایش نرخ حاملان انرژی، میزان مصرف در صنعت فولاد کاهش پیدا کند. این موضوع تنها در حالی محقق می‌شود که تولیدکنندگان فولاد، میزان تولید خود را کاهش دهند، در غیر این صورت میزان مصرف مشخص خواهد بود. در واقع افزایش نرخ گاز واحدهای فولادی نه‌تنها دردی از مشکل فولادی‌ها حل نمی‌کند، بلکه منجر به افزایش نرخ تمام‌شده می‌شود. برخی فعالان صنعت فولاد معتقدند با این تصمیم، نرخ فولاد حتی تا ۲ برابر افزایش پیدا خواهد کرد. باتوجه به اینکه مصرف گاز در واحدهای آهن‌اسفنجی بیشتر است و این محصول ماده اولیه واحدهای تولید شمش محسوب می‌شود، در نتیجه با افزایش نرخ گاز در این صنعت، مواد اولیه به واحدهای تولیدکننده شمش گران‌تر شده و این افزایش نرخ به‌صورت دومینووار به دیگر حلقه‌های زنجیره ارزش وارد می‌شود.

▣ مشکلات جدید در بازارهای صادراتی

گران شدن نرخ مواد اولیه در پی افزایش نرخ گاز بر نرخ تمام‌شده فولادی‌ها تاثیر گذاشته و باعث می‌شود توان رقابتی در بازارهای صادراتی کاهش پیدا کند. این در حالی است که نوسانات در بازارهای جهانی فولاد متفاوت است و با کاهش نرخ‌های جهانی، نه‌تنها توان رقابتی فولادی‌ها برای حضور در بازارهای جهانی کاهش پیدا می‌کند، بلکه دیگر صادرات سود چندانی به‌همراه ندارد. فراموش نکنیم تولیدکنندگان فولاد باید ارز حاصل از صادرات خود را به‌طور ۱۰۰ درصدی در سامانه نیما با نرخ تثبیت‌شده عرضه کنند که تمامی این موارد در کنار منجر به کاهش تمایل تولیدکنندگان فولاد به صادرات می‌شود.

اما نکته مهم در این میان، ثبات حضور در بازارهای صادراتی به‌ویژه بازارهای منطقه است که در امسال رقابت در آنها نیز سخت‌تر شده است. به‌عنوان مثال، امروز ترکیه بازار عراق را در دست دارد و نخستین صادرکننده فولاد به این کشور است. سهم ایران در این بازار کاهش یافته است و در ادامه با افزایش نرخ تمام‌شده می‌تواند این سهم کاهشی‌تر از امروز شود. در حالی با افزایش نرخ گاز در واحدهای فولادی؛ شاهد این اتفاق هستیم که صنعت فولاد می‌تواند نقش مهمی در ارزآوری از محل صادرات غیرنفتی باشد، اما این تصمیم می‌تواند در بحث تامین ارز کشور هم موثر باشد.

▣ آشفتگی در بازارهای مصرفی

همان‌طور که اشاره شد، تاثیر افزایش نرخ گاز برای واحدهای فولادی به حلقه‌های پایین‌دستی منتقل می‌شود و می‌تواند بازار را با آشفتگی همراه کند.

از سویی دیگر، این موضوع می‌تواند حجم خریدها در ۲ ماه پایانی سال را با نرخ‌های فعلی افزایش دهد و حتی بازار در ماه‌های پایانی ۱۴۰۱ با افزایش تقاضا همراه شود.

اما در ادامه و در سال ۱۴۰۲ ، افزایش نرخ تمام‌شده، قیمت‌ها در بازار را هم افزایش خواهد داد و بر دیگر بخش‌ها از جمله بخش مسکن هم اثرگذار خواهد بود. بدون شک با افزایش نرخ مواد اولیه در بخش ساختمان، شاهد افزایش نرخ در ساختمان‌های نوساز خواهیم بود.

تمامی این موارد دست به‌دست هم داده و هزینه‌های دولت را افزایش می‌دهند، زیرا در بخش ساختمان با اجرای پروژه مسکن ملی، این دولت است که با افزایش هزینه مواجه می‌شود، در حالی که اقدام موثری در بخش توسعه میادین گازی انجام نگرفته است. افزایش نرخ گاز واحدهای فولادی نه‌تنها مشکل دولت در بخش تامین گاز را حل نمی‌کند، بلکه می‌تواند هزینه‌ها در بخش‌های دیگر از جمله مسکن را افزایش دهد.

▣ اصلاح الگوی مصرف

هرچند دولت تصمیم بر آن دارد، با واقعی شدن نرخ انرژی برای صنایع از جمله صنعت فولاد مصرف در این بخش را بهینه کند، اما فراموش نکنیم امروز بخش خانگی به‌عنوان عمده‌ترین مصرف‌کننده گاز نیازمند اصلاح الگوی مصرف است.

سرمایه‌گذاری دولت برای اصلاح الگوی مصرف در بخش خانگی می‌تواند اتفاقات بهتری را به‌همراه داشته باشد، اما این موضوع نیازمند آموزش و سرمایه‌گذاری است. در غیر این صورت، با کاهش گاز در واحدهای صنعتی و افزایش نرخ این ماده برای تولیدکنندگانی همچنان فولاد همچنان در بر این پاشنه خواهد چرخید.

این در حالی است که صنعت فولاد اشتغالزایی بسیاری به‌همراه داشته که کمبود گاز و کاهش تولید می‌توانند تهدیدی جدی برای این موضوع باشند.

▣ سخن پایانی

افزایش نرخ گاز برای واحدهای فولادی هرچند از دیدگاه دولت علاوه بر افزایش درآمدها منجر به اصلاح مصرف در این صنعت می‌شود، اما در بخش‌های دیگر می‌تواند هزینه‌ها را به‌صورت چند برابر افزایش دهد. به‌عنوان مثال، افزایش ۷۵ درصدی نرخ گاز در سال ۱۴۰۲، در ادامه نرخ فولاد را ۲ برابر افزایش می‌دهد، به‌همین دلیل این بحران با تصمیم دولت نه‌تنها حل نخواهد شد، بلکه هزینه‌های مصرف‌کننده در حلقه‌های پایانی، زنجیره ارزش را هم افزایش می‌دهد.

روزگار معدن
نمایشگاه تخصصی متالوژی، فولاد، ریخته گری، ماشین‌آلات و صنایع وابسته
۶ چهارشنبه
۱۹ بهمن ۱۴۰۱
۱۷ رجب ۱۴۴۴
۸ فوریه ۲۰۲۳

معدنکاری سبز، کلید تعامل معدن و محیط‌زیست

بخش معدن برای دستیابی به توسعه پایدار نیازمند اجرای اقدامات لازم در حوزه معدنکاری سبز است. معدنکاری سبز فناوری جدیدی است که شرکت‌های معدنی زیادی در جهان تلاش می‌کنند تا با استفاده از آن آسیب‌های زیست‌محیطی معدنکاری را به حداقل برسانند

درواقع حرکت به سمت معدنکاری سبز می تواند کلید اصلی مشکلات بین معدنی ها و محیط زیستی ها باشد و مسیر برای بهره برداری از ذخایر معدنی را با کمترین آسیب به محیط زیست فراهم کند. به گزارش «روزگارمعدن»، حفظ محیط زیست یکی از اصلی ترین رئوس برای توسعه پایدار در بخش معدن است که در سال های اخیر بیش از گذشته مورد توجه معدنکاران قرار گرفته است. امروز شرکت های بزرگ معدنی و صنایع معدنی اقدامات زیست محیطی را جزو اولویت های اصلی خود قرار داده اند تا بتوانند به توسعه پایدار دست پیدا کرده و کمترین آسیب را به محیط زیست وارد کنند. متاسفانه در گذشته به دلیل عدم توجه به محیط زیست، تقابل میان بخش معدن و محیط زیست شدت گرفت و بسیاری از فعالان این بخش مخالف برخی فعالیت های معدنی بودند. چنین نگاهی باعث شد تا برخی از پروژه های معدنی مشمول گذر زمان و تاخیر در اجرا شوند، در حالی که با افزایش توجه به محیط زیست و تعریف استانداردهای لازم، عبور از این مشکل امکان پذیر بود. رفته رفته فعالان بخش معدن تعامل با محیط زیست و منابع طبیعی را در دستور کار قراردادند تا بتوانند با حداقل آسیب از ذخایر موجود بهره برداری کنند. متاسفانه در گذشته به دلیل عدم توجه به محیط زیست، تقابل میان بخش معدن و محیط زیست شدت گرفت و بسیاری از فعالان این بخش مخالف برخی فعالیت های معدنی بودند. چنین نگاهی باعث شد تا برخی از پروژه های معدنی مشمول گذر زمان و تاخیر در اجرا شوند، در حالی که با افزایش توجه به محیط زیست و تعریف استانداردهای لازم، عبور از این مشکل امکان پذیر بود. رفته رفته فعالان بخش معدن تعامل با محیط زیست و منابع طبیعی را در دستور کار قراردادند تا



بتوانند با حداقل آسیب از ذخایر موجود بهره برداری کنند. این موضوع در کشورهای معدنی دنیا نیز به خوبی قابل رویت است و می توان از تجربیات آنها در این بخش نیز استفاده کرد.

راهکاری ویژه برای کاهش آسیب های زیست محیطی معدنکاری

حرکت به سمت معدنکاری سبز می‌تواند راهگشای این مشکل باشد. معدنکاری سبز فناوری جدیدی است که شرکت‌های معدنی زیادی در جهان تلاش می‌کنند تا با استفاده از آن آسیب‌های زیست‌محیطی معدنکاری را به حداقل برسانند. ایران جزو کشورهای با پتانسیل خوب معدنی است که این موضوع را در دستور کار قرار داده اما فعالیت‌های معدن و معدنکاری در محیط‌زیست و منابع طبیعی زیرساخت-ها و شرایط خاص خود را می‌طلبد که بخشی از آن باید از سوی معدنکاران و بخشی دیگر باید با حمایت‌های ویژه از سوی دولت فراهم شود.

درحال‌حاضر فعالیت‌های معدنکاری در ایران به گونه‌ای است که محدوده بزرگی را به شکل آزمون و خطا مورد بررسی قرار داده و با حفاری‌های بسیار، در آخر رگه مورد نظر را که برای آنها ارزش اقتصادی دارد پیدا کرده و نسبت به برداشت از آن اقدام می‌کنند.

این درحالی است که با استفاده از فناوری‌های نوین می‌توان در مرحله نخست به نقاطی که برداشت از آن ارزش اقتصادی دارد، دست یافت و دیگر به ساخت جاده‌های مختلف تخریب پوشش گیاهی و مانند آنکه موجب تخریب محیط‌زیست می‌شود، نیاز نخواهد بود. در این بین علاوه‌بر ورود تکنولوژی‌های جدید که شاید متاثر از شرایط تحریمی کار دشواری باشد باید به سمت توسعه آموزش‌ها در بخش معدنکاری سبز نیز حرکت کرد.

البته با توجه به تاکیدهای صورت گرفته در بحث استفاده از ظرفیت دانش‌بنیان‌ها، می توان بر مشکلات ناشی از تحریم نیز فائق آمد و به سراغ بومی‌سازی برخی تکنولوژی‌ها رفت. از سویی دیگر نوسازی ناوگان ماشین‌آلات معدنی نیز می‌تواند گامی دیگر در راستای کاهش مخاطرات زیست‌محیطی باشد که بخشی از آن نیازمند حمایت‌های دولت به ویژه وزارت صنعت، معدن و تجارت است.

ابراهیم جمیلی، رئیس کمیسیون معادن و صنایع معدنی اتاق بازرگانی ایران، در گفت و گو با «روزگار معدن» با تاکید بر اهمیت معدنکاری سبز در ایران اظهار کرد: معدنکاری سبز جزو الزامات بخش معدن است. در تمامی کشورهای دنیا کسانی که به عنوان بهره‌بردار معدنی در این بخش مشغول به فعالیت هستند، باید کمترین آسیب را به محیط‌زیست وارد کنند.

وی با اشاره به این موضوع در بخش معدن ایران، تصریح کرد: متاسفانه سال‌ها قبل در ایران توجه چندانی به این موضوع صورت نمی‌گرفت، زیرا ما به صورت علمی و حرفه ای با آن برخورد نمی کردیم.

این موضوع باعث شد تا سازمان حفاظت محیط‌زیست و منابع طبیعی نسبت به فعالیت‌های معدنی بدبین شوند و احساس کنند معدنکاری به معنای تخریب محیط‌زیست است.

لزوم تعریف استانداردی خاص برای معدنکاری

جمیلی اضافه کرد: در حالی چنین دیدگاهی نسبت به بخش معدن شکل گرفت که معدن ارزش‌افزوده و رونق اقتصادی را به همراه دارد و نقش مهم در کاهش وابستگی به اقتصاد نفتی ایفا می‌کند.

در نتیجه لازم است استانداردهایی منطبق با شرایط ایران برای معدنکاری تعریف شود. شاید در برخی موارد ما بهتر از استانداردهای اروپا عمل کنیم اما در برخی موارد هم نزدیک به آنها اقدام می‌کنیم.

به گفته رئیس کمیسیون معادن و صنایع معدنی اتاق بازرگانی ایران، ایران دارای اقلیم و آب و هوای متفاوت است. از سویی دیگر امروز شاهد بحران خشکسالی هستیم که می‌تواند بخش کشاورزی را تحت‌تاثیر قرار دهد در نتیجه باید به فکر جایگزین کردن درآمدهای بخش کشاورزی و اشتغال موجود در آن بود که معدن می تواند با برنامه‌ریزی دقیق و کارشناسی یکی از جایگزینی‌های این موضوع باشد.

جمیلی در ادامه بیان کرد: البته فراموش نکنیم این برنامه‌ریزی باید به صورتی باشد که آسیب‌های وارده به محیط‌زیست به حداقل میزان خود برسد. از سویی دیگر باید احیا و بازسازی معادن نیز در دستورکار و برنامه‌های معدنکاران قرار بگیرد.

بدون شک با چنین برنامه‌ریزی‌ای که جمیلی به آن اشاره داشت می‌توان شاهد کاهش چالش‌های موجود میان معدنی‌ها و محیط‌زیست بود که خود این بخش را به توسعه پایدار نزدیک‌تر می‌کند.

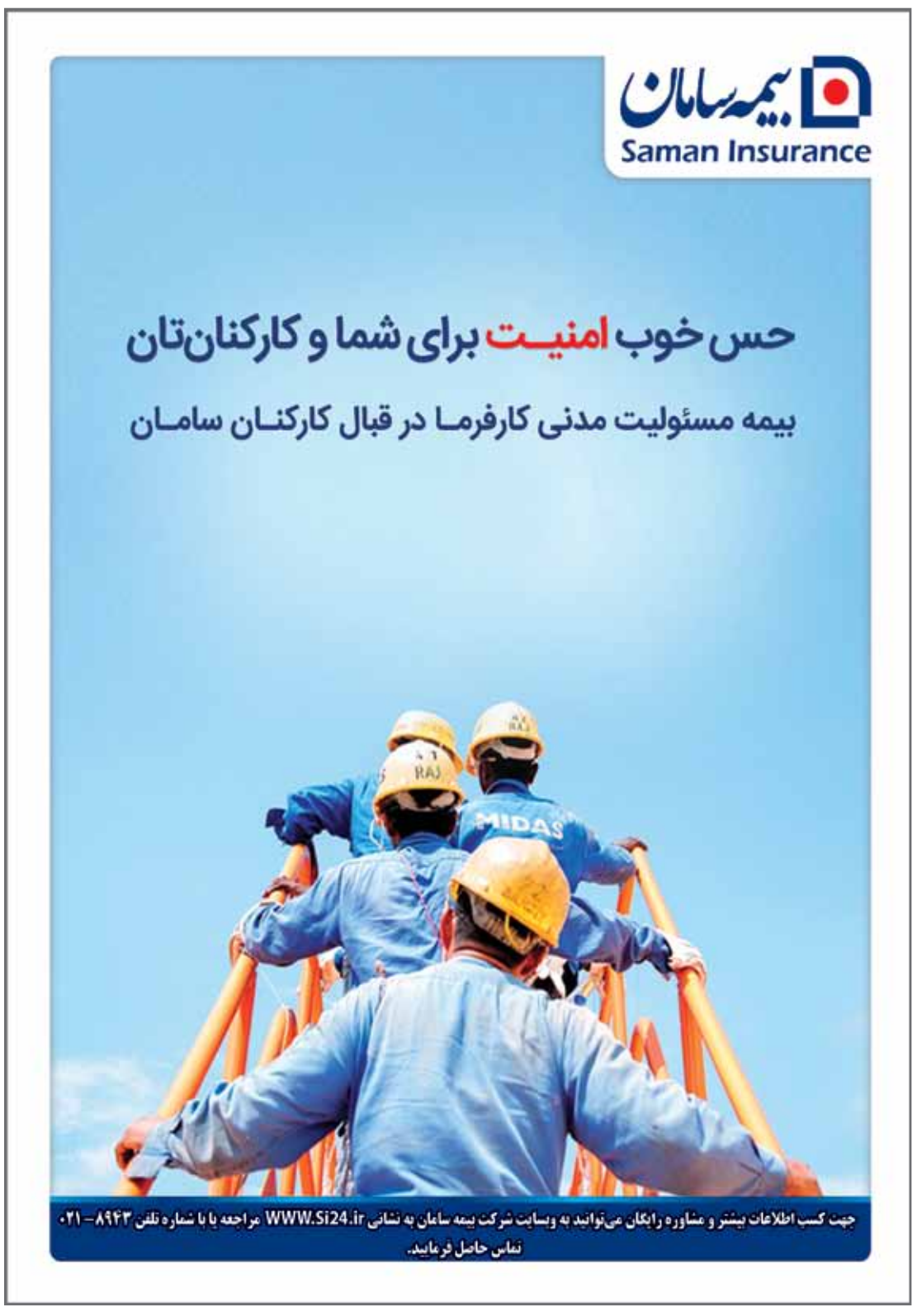
جمیلی درباره اقدامات مهمی که باید در این راستا انجام پذیرد، اضافه کرد: بی‌تردید باید تعامل و تفاهم میان محیط‌زیست و بخش معدن در دستورکار باشد. ما در ایران نیازمند انجام اکتشافات تکمیلی هستیم تا میزان مزیت‌های معدنی و مناطق آن مشخص شود. اما این موضوع باید در راستای استانداردهای محیط زیست صورت بگیرد.

وی ادامه داد: باید چالش‌ها در این‌باره را به حداقل رساند و باید به این‌باور دست پیدا کرد که نیازمند بهره‌برداری از نعمت‌های خدادادی هستیم تا حداکثر ارزش افزوده را برای ما به همراه داشته باشد. بهره‌برداری از این ذخایر نیز نیازمند اجازه ارگان‌ها و سازمان‌های مختلف برای انجام اکتشافات تکمیلی است.

سخن پایانی

بی تردید بهره‌برداری از ذخایر معدنی آن هم در شرایط فعلی که تحریم‌ها بازارهای نفتی را نشانه گرفته، امری ضروری و مهم تلقی می‌شود که می‌تواند علاوه بر رونق اقتصادی، افزایش درآمدهای ارزی و توسعه صادرات غیرنفتی، افزایش اشتغال را هم به همراه داشته باشد. اما نگاه به این موضوع باید در راستای حفظ محیط زیست و به حداقل رساندن آسیب‌هایی باشد که باعث شده بخش معدن در مقابل محیط‌زیست قرار بگیرد.





معدن به حمل‌ونقل دریایی روی آورد

«سال گذشته برای انتقال ۱۰ میلیون تن زغال‌سنگ از روسیه به چین قراردادی منعقد کردیم، اما پس از گذشت ۸ ماه از قرارداد، فقط یک واگن رسیده، چون ظرفیت زیرساختی رشد پیدا نکرده است...».



آنچه خواندید؛ نقل‌قولی از فیروز دولت‌آبادی، سفیر اسبق ایران در ترکیه است که چندی پیش در ایلنا منتشر شد. وی در آن گفت‌وگو اظهار کرد: «در زمان دولت محمود احمدی‌نژاد، ثروتی به بزرگی ۸۰۰ میلیارد دلار به کشور رسید، اما هیچ تحولی در توسعه زیرساخت‌ها ایجاد نشد». کارشناسان باور دارند، مشابه این اتفاق در سال ۹۴ و در زمان امضای برجام، هم تکرار شد و منابع مالی آزادشده در آن زمان هم، به‌جای حمایت از تولید و صادرات، صرف واردات کالاهای غیرضروری شد، در نتیجه امروزه کشور با مشکلات بزرگی در حوزه حمل‌ونقل (جاده‌ای، ریلی و دریایی) دست‌وپنجه نرم می‌کند.به همین دلیل، پرونده «وضعیت زیرساخت حمل‌ونقل مواد معدنی و چشم‌انداز آن در سال‌های آتی» را در صفحه معدن «روزگارمعدن»گشودیم و با تقی نبئی، کارشناس و فعال معدن در این‌باره به گفت‌وگو نشستیم.

◉ برای حمل‌ونقل کالاهای خاص مانند مواد و فرآورده‌های معدنی، توسعه زیرساخت حمل‌ونقل دریایی اولویت بیشتری دارد یا جاده‌ای و ریلی؟

لطفا چرایی آن را توضیح دهید. برای صادرات مواد معدنی بهترین شیوه استفاده از امکانات حمل‌ونقل دریایی است. دلیل عمده برتری این شیوه نسبت به شیوه‌های دیگر این است که مواد و محصولات معدنی معمولا از حجم و تناژ قابل‌توجهی برخوردار هستند و حمل‌ونقل غیردریایی بیشتر آنها امکان‌پذیر نیست. از طرف دیگر، حمل‌ونقل دریایی، به مقاصدی که امکان انتقال از طریق دریا وجود دارد، نسبت به سایر روش‌های ترابری سریع‌تر و در دسترس‌تر است، بنابراین بیش از ۸۵ درصد حمل‌ونقل خروجی و ورودی کشور از طریق دریا اتفاق می‌افتد. کشور ما بیش از ۳ هزار کیلومتر مرز دریایی دارد که مزیتی بزرگی به‌شمار می‌رود، البته به‌شرط آنکه امکانات حمل‌ونقل دریایی بهبود یابد و برای توسعه آن سرمایه‌گذاری شود. درباره حمل‌ونقل ریلی باید بر این نکته تاکید کرد که به‌تازگی خطوط ریلی ما در چند نقطه به کشورهای همسایه از جمله افغانستان، ترکیه و... متصل شده است و به این ترتیب از این ظرفیت‌های ریلی هم استفاده می‌شود، اما آنقدری نیست که بتوان آن را با ظرفیت حمل‌ونقل دریایی و مزیت‌های آن از نظر حجم، سرعت و هزینه مقایسه کرد. در زمینه ترابری جاده‌ای هم، باید این نکته را در نظر داشت که ما از این امکان هم برای حمل‌ونقل مواد و فرآورده‌های معدنی به کشورهای همجوار استفاده می‌کنیم و حجم قابل‌توجهی از محصولات از قبیل سیمان، گچ، کاشی، شیشه و محصولات ساختمانی دیگر به‌صورت جاده‌ای و از طریق مرزهای رسمی کشور به عراق، افغانستان، ترکمنستان، آذربایجان، ارمنستان و ترکیه ارسال و از آن سو هم مواد اولیه‌ای مانند بوکسیت، آلومینا و زغال‌سنگ وارد کشور می‌شود.

◉ بعد از انقلاب حمل‌ونقل ریلی تا حدودی توسعه داشته است، آیا این توسعه موجب بهبود عملکرد سیستم ریلی در ترابری مواد معدنی داشته است یا خیر؟

بعد از انقلاب توسعه ریلی اتفاق افتاد، اما به‌علت پهناور بودن کشور، این میزان توسعه هنوز به میانگین بین‌المللی خود نزدیک نشده است. برای اثبات این ادعا، اگر ملاک سنجش را نسبت توسعه خطوط ریلی به مساحت کشور در نظر بگیریم، خواهیم دید کشور آلمان در این زمینه حدود ۱۹ برابر توسعه‌یافته‌تر از ما است. ایران چیزی در حدود ۱۴ تا ۱۵ هزار کیلومتر خط ریلی دارد که در قیاس با وسعت کشور و پراکندگی سکونتگاه‌ها، مراکز فعالیت اقتصادی، شهرک‌های صنعتی و بندرگاه‌ها (که در سرتاسر سرزمین پراکنده و گاه در فواصلی بعید از هم قرار گرفته‌اند)، عدد قابل‌توجهی نیست. علاوه بر این، باتوجه به اینکه مدیریت کلان همین ظرفیت هم در اختیار دولت است، متاسفانه از آن به‌شکل بهینه استفاده نمی‌شود. همچنین لکوموتیوها و واگن‌های ما از نظر لجستیکی هم در حد استاندارد نیست و فاصله زیادی با امکانات کشورهای توسعه‌یافته دارد. به‌عنوان مثال، در ایران هر قطاری به‌طورمیانگین می‌تواند حدود ۲ هزار تن مواد معدنی را حمل کند، در صورتی که در کشورهای توسعه‌یافته این میزان به عدد قابل‌توجه ۳۰ هزار تن می‌رسد. روشن است که هر چقدر این ظرفیت افزایش پیدا کند هزینه حمل‌ونقل ریلی هم کاهش پیدا می‌کند و در نهایت برای تولیدکننده و مصرف‌کننده (که از طریق حمل‌ونقل با هم ارتباط پیدا می‌کنند) مقرون به‌صرفه‌تر خواهد شد. از سوی دیگر، متاسفانه شبکه ریلی ما تاب تحمل وزن‌های بیش از ۲ هزار تن را ندارد. علاوه بر این، بسیاری از خطوط هم تک‌لاین است که به خودی خود موجب توقف و کاهش سرعت حمل‌ونقل می‌شود و این مشکلات هم باز به زیان معدنکار تمام می‌شود. مهم‌تر اینکه که در همه دنیا برای حمل‌ونقل مواد معدنی، به‌ویژه در بخش داخلی، از شبکه ریلی استفاده می‌شود، اما در کشور ما این حوزه، همکاری لازم را با بخش معدن انجام نمی‌دهد و جز چند مورد استثنایی، در بیشتر موارد، معدنکار ترجیح می‌دهد برای حمل‌ونقل داخلی به‌جای استفاده از امکانات ریلی، حمل‌ونقل جاده‌ای به کار گرفته شود.

◉ زیرساخت و ناوگان حمل‌ونقل جاده‌ای با چه کمبودهایی روبه‌رو است؟

یکی از دلایل مشکلات حمل‌ونقل جاده‌ای درون کشور،از این‌رو است که ما کشور پهناوری داریم. ایران هجدهمین کشور وسیع دنیا است که ۱.۱ کل مساحت کره زمین را به خود اختصاص داده است،بنابراین مناطق معدنی ما عموما فاصله زیادی تا محل فرآوری یا استفاده دارند، از جمله دلایل وجود این فواصل بعید میان محل معدن تا واحد مصرف‌کننده، فقدان آمایش سرزمین مناسب است که از ضعف مدیریت کلان حوزه آمایش صنعتی در گذشته ناشی و متاسفانه موجب شده است که بخش زیادی از ظرفیت حمل‌ونقل جاده‌ای ما صرف پوشش این نقیصه شود. در بخش تولید فولاد، حجم قابل‌توجهی از مواد معدنی را باید به واحدهای فولاد پراکنده‌ای که در اقصی نقاط کشور احداث شده‌اند، حمل کرد. زغال‌سنگ موردنیاز آنها هم به‌همین ترتیب تامین می‌شود، زیرا همان‌طور که اشاره شد، بیشتر این کارخانه‌های فولادی در مناطقی احداث شده‌اند که با معادن تامین‌کننده مواد اولیه، فاصله زیادی دارند. از طرف دیگر، در ۲دهه اخیر، وضعیت جاده‌های ما تا حدودی بهتر شده و توسعه خوبی پیدا کرده است، اما از نظر لجستیکی بخش قابل‌توجهی از ماشین‌آلات حمل‌ونقل فرسوده است و استهلاک بالایی دارد. افزایش شدید نرخ ماشین‌آلات هم باعث می‌شود که امکان بازسازی و نوسازی ناوگان حمل‌ونقل به‌سادگی میسر نشود.

به این ترتیب، در فواصل طولانی یا نقاطی که در بن‌بست حمل‌ونقلی قرار دارد (به‌ویژه وقتی که ناچار ماشین‌های حمل بار باید یک مسیر را به‌صورت خالی طی کنند)، هزینه حمل مواد معدنی به‌شکل قابل‌توجهی افزایش می‌یابد تا صاحب وسیله بتواند هزینه جابه‌جایی بدون بار، در مسیر رفت یا برگشت را تا حدی جبران کند. علاوه بر این، مدت زمان انتظار در فصول مختلف سال هم ثابت نیست و تغییر پیدا می‌کند و مشکلات فصلی ایجاد می‌شود، برای مثال برخی معادن کشور در مناطق دورافتاده و گاه برف‌گیر قرار دارند، اما چون جاده‌های کشور مناسب ترددهای زمستانی نیستند، بنابراین مشکلات آنها برای حمل بار در فصل زمستان بیشتر می‌شود. همین‌طور در برخی مناطق، چالش‌های حمل‌ونقل در فصل تابستان افزایش پیدا می‌کند.

استاندارد نبودن مسیرها و شیب عرضی و طولی جاده‌ها، فشار وارد به ناوگان حمل‌ونقل را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، زیرسازی جاده‌ها، به‌ویژه در مناطق عملیاتی، مناسب ترددهای معدنی نیست و بیشتر برای ترددهای روستایی و با زیرسازی و روکش آسفالت بسیار ضعیف تعبیه شده است، از این‌رو ترددهای جاده‌ای باعث تخریب این مسیرها می‌شود و ناگزیر به معارضاتی بین معدن و ساکنان محلی که از جاده استفاده می‌کنند، دامن می‌زند و توسعه این زیرساخت‌ها هم با ممانعت‌های بسیار زیادی از جمله مخالفت سازمان منابع طبیعی، محیط‌زیست و ارگان‌های دیگر مواجه است.

◉ وضعیت حمل‌ونقل دریایی چگونه است؟

حمل‌ونقل دریایی همان‌طور که گفته شد، از بهترین روش‌های حمل مواد معدنی چه برای واردات و چه صادرات مواد و فرآورده‌های معدنی است،اما متاسفانه در یک دهه گذشته به‌واسطه تحریم‌های شدیدی که بر بنادر و کشتیرانی ما تحمیل شد، بخش زیادی از شرکت‌های خارجی امکان همکاری‌های ترانزیتی دریایی را با ایران از دست دادند و بخش زیادی از ظرفیت شرکت کشتیرانی داخلی خودمان هم تحت‌تاثیر تحریم‌ها قرار گرفت.

البته در بهترین حالت، ظرفیت حمل‌ونقل دریایی ما هم قابل‌قیاس با کشورهای توسعه‌یافته نیست. متاسفانه بنادر متناسب با حجم واردات و صادرات توسعه پیدا نکرده‌اند. در جنوب کشور، عمده فعالیت‌ها از طریق چند بندر از جمله اسکله شهید رجایی انجام می‌شود که برای ترخیص و بارگیری مواد معدنی با محدودیت‌های زیادی روبه‌رو هستند. اگر کل ظرفیت بندرگاهی کشور را برای مثال با امارات مقایسه کنیم، شاید تنها یک‌چهارم امکانات آن کشور را در بخش تخلیه و بارگیری در اختیار داشته باشیم. این شرایط البته به همه فعالیت‌های صادراتی آسیب می‌رساند، اما در حوزه معدن این صدمه جدی‌تر است، زیرا مواد و فرآورده‌های معدنی حجم زیادی دارند و مشکلات و محدودیت حمل‌ونقل دریایی در کشور ما هم زیاد است و به‌این ترتیب، بخش عمده‌ای از توان صادراتی و امکان تامین مواد اولیه لازم تحت‌تاثیر قرار می‌گیرد.

◉ علت بی‌توجهی دولت نسبت به توسعه ناوگان حمل‌ونقل چیست و چه آسیب‌هایی به‌دنبال دارد؟

به‌عقیده من، در حال حاضر دولت به‌ناچار از این حوزه غفلت کرده است. توسعه ناوگان حمل‌ونقل، فعالیتی بسیار هزینه‌بر است و دولت‌ها چه از نظر مالی و چه اجرایی از عهده انجام چنین کاری بر نمی‌آیند. به‌طورمعمول توسعه این زیرساخت‌ها با مشارکت بخش خصوصی و حتی سرمایه‌گذاری‌های خارجی انجام می‌گیرد. در بخش خارجی، همان‌طور که اشاره شد، محدودیت‌های تحریمی مانع آن شده است که دولت بتواند از ظرفیت‌های موجود استفاده کند. در بخش داخلی، هرچند کم و بیش از ظرفیت‌های موجود استفاده شده، اما کافی نیست. در این زمینه، بخش خصوصی توان و علاقه‌مندی زیادی دارد و دولت می‌تواند از طریق لیزینگ و در قالب قراردادهای بلندمدت سرمایه‌گذاری، از ظرفیت این بخش هم بهره‌برداری کند. در دهه‌های گذشته، موارد موفقی از این دست، هم در زمینه توسعه ریلی و هم آزادراهی داشته‌ایم که موجب توسعه کریدورهای جدید شمال ـ جنوب و شرق ـ غرب شده است، بنابراین می‌توان این شیوه را دوباره در دستور کار قرار داد. به‌گمان من، مهم‌ترین غفلت دولت در بحث کاهش و رفع تحریم‌ها بوده که این روزها باز هم در حال افزایش است. روشن است که سرمایه‌گذاری خارجی، کامل تحت‌تاثیر همین تحریم‌ها قرار گرفته و متوقف مانده است. درباره سرمایه‌گذاری داخلی هم، نه حمایت‌های ضروری انجام و نه مشوق‌های لازم برای این بخش در نظر گرفته شده است، بنابراین هرچند پیشرفت‌هایی حاصل شده، اما شاهد توسعه قابل‌توجهی نبوده‌ایم.

◉ چطور با این چالش‌ها می‌توان روی افزایش صادرات (در سند چشم‌انداز توسعه) برنامه‌ریزی کرد؟

از آنجایی که انجام فعالیت‌های رقابتی، مهم‌ترین چالش موضوع سرعت و نرخ کالا است، هرچقدر چالش‌های کشور در زمینه حمل‌ونقل کمتر شود، توان رقابت آن با رقبای خارجی منطقه‌ای و جهانی بیشتر می‌شود. بهبود روند حمل‌ونقل کالا، می‌تواند هم سرعت داد و ستد را افزایش دهد و هم موجب کاهش نرخ تمام‌شده باشد. برای بهبود کیفیت و کمیت زیرساخت‌ها به‌ویژه حمل‌ونقل جاده‌ای، در درجه اول لازم است، تلاش کنیم مشکلات موجود رفع شود و در مرحله بعد، با اولویت قرار دادن برنامه‌هایی که جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را تسهیل می‌کنند، به توسعه زیرساخت‌های ضروری کمک کنیم.

◉ امروز دولت برای حل این مشکل چه راهکارهایی می‌تواند به‌کار ببندد؟

به‌گمان من، در مرحله اول، نگاه دولت باید به این موضوع تغییر کند و با هدف سرمایه‌گذاری، توان کشور در حوزه حمل‌ونقل دریایی، ریلی و جاده‌ای را تقویت کند، زیرا اگر به موضوع ارتقای توان لجستیکی، ماشین‌های حمل، واگن، کشتی، تقویت بندرگاه و اسکله‌ها... از منظر سرمایه‌گذاری توجه شود، خواهیم دید که هر هزینه‌ای، آورده قابل‌توجهی خواهد داشت و در آینده‌ای نزدیک، دولت می‌تواند با اخذ عوارض، از برکات این سرمایه‌گذاری بهره ببرد.

خوشبختانه باوجود شرایط سخت امروز، حمایت‌های بین‌المللی خوبی از ایران وجود دارد. برای مثال، چین علاقه‌مند است، کریدورهایی را از داخل ایران به شمال و غرب ایجاد کند. ظرفیت مالی، لجستیکی و اجرایی کشور چین هم که بر هیچ‌کس پوشیده نیست، بنابراین می‌توان از ظرفیت و تمایل موجود به‌نفع کشور استفاده کرد. همین‌طور روسیه هم تمایل زیادی برای ایجاد کریدور شمال ـ جنوب و اتصال کشور خود به بنادر جنوبی ایران (دریای عمان و خلیج‌فارس) دارد و این نشان می‌دهد که می‌توان از چنین ظرفیتی هم استفاده بهینه کرد. علاوه بر این، می‌توان با در نظر گرفتن مشوق‌هایی، بخش خصوصی داخلی را هم پای کار آورد و به تحقق اهداف سرعت بخشید. در پایان، ضروری است،بگوییم هرچند اقداماتی در دست انجام است و ساخت کریدورهای شمال ـ جنوب برنامه‌ریزی شده است، اما باید به عملیاتی شدن آنها سرعت داد تا هرچه زودتر تکمیل شود و به بهره‌برداری برسد و به این ترتیب شاهد توسعه زیرساخت حمل‌ونقل به‌ویژه در حوزه ریلی باشیم.



روزگار معدن

چهارشنبه • ۱۹ بهمن ۱۴۰۱ • ۱۷ رجب ۱۴۴۴ • ۸ فوریه ۲۰۲۳ • سال پنجم • شماره ۱۰۱۹

صاحب امتیاز:
موسسه فرهنگی و هنری روزگار وصل

مدیر مسئول و سردبیر:
ناصر بزرگمهر

فنی و هنری: مهدی نجفی
نمایندگی دفتر اروپا: چکاوک بزرگمهر
مشاور بازرگانی:
محمود بندرچی

آدرس: تهران- خ قائم مقام فراهانی- کوچه آزادگان شماره ۲۶
تلفن: ۸۲۱۹۰-نمابر: (داخلی-۱۰۴)-تلفن سازمان آگهی‌ها: ۹۹۹۹۱۹۵۷۶۱ پیامک: ۳۰۰۰۸۲۱۹۰-
ایمیل سازمان آگهی‌ها: ads.smtnews@gmil.com
امور مشترکین: ۸۸۱۰۵۳۰۶-توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۷۲۴۲۱۱

www.Madandaily.com
www.instagram.com/Madandaily
www.twitter.com/Madandaily
www.t.me/Madandaily
E-mail:info@madandaily.com
tozi.smtnews@gmail.com

بدترین فجایع معدنی تاریخ



فاجعه و حادثه برای هر ملتی و از هر جای جهان که باشد برای جوامع دردناک و سخت خواهد بود. فجایع گاهی مربوط به بلاهای طبیعی و برخی مواقع ناشی از اشتباهات انسانی است. ازجمله مشاغلی که با اخبار حوادث و فجایع آن روبه‌رو می‌شویم معادن هستند. معدن، صنعتی خطرناک و پراضطراب در جهان به شمار می‌رود. همیشه و از سالیان دور، معدن‌کاری ازجمله سخت‌ترین مشاغل دنیا بوده است. به همین دلیل سالانه حوادث بسیاری در سراسر دنیا در معادن مختلف به وجود می‌آید و شماری از معدن‌کاران زحمتکش را به کام مرگ می‌کشاند.

اتفاقاتی ازجمله انفجار گرد زغال‌سنگ، خفگی براثر گاز متان، سقوط سنگ و آوار و مسمومیت با کربن‌دی‌اکسیدی از مهم‌ترین مواردی هستند که سالانه برای معدن کاران رخ می‌دهد. در این گزارش قصد داریم نگاهی داشته باشیم به چند فاجعه معدنی عظیم که در طول تاریخ ثبت شده و بیشترین کشته یا آسیب را به همراه داشته‌اند.

▣ مونوگاه - آمریکا

ششم دسامبر سال ۱۹۰۷ بود که در ویرجینیای غربی بزرگ‌ترین حادثه معدنی در تاریخ ایالات‌متحده آمریکا به وقوع پیوست. در معدن مونوگاه، گازهای متراکم‌شده در فضای معدن به شبکه تونل‌های دیگر منتقل شد و انفجاری عظیم رخ داد. انفجار ۳۶۱ تن از کارگران معدن را به کام مرگ کشاند. شدت انفجار به‌قدری وسیع بود که برخی کارگران بدون اینکه متوجه چیزی بشوند، کشته شدند. اداره امنیت معدن آمریکا در گزارش خود آورد که برخی کارگران در هنگام مرگ، ناهار هنوز در گلویشان وجود داشته و جسد آنها پیدا شده است. تخمین زده می‌شود که کشته‌های این حادثه بیش از ۶۰۰ نفر بوده اما برای کاستن از عمق فاجعه، تعداد قربانیان را کمتر اعلام کرده‌اند.

▣ بارنزلی - انگلستان

۱۲ دسامبر سال ۱۸۶۶ زمانی که کارگران در معدن بلوط انگلستان مشغول فعالیت بودند چندین انفجار در سراسر معدن رخ داد. ۳۳۴ نفر از ۳۴۰ کارگری که در حال فعالیت بودند جان خود را از دست دادند. البته انفجارها در هنگام امدادرسانی هم ادامه پیدا کرد و تعداد فوتی‌های فاجعه به ۳۶۱ نفر رسید. بااین‌حال ۶ کارگر، جان سالم به در بردند. در گزارش‌های تیم امداد و نجات آمده است که یکی از کارگران از شدت انفجار به زمین‌خورده و در آن فرورفته بود اما توانست جان سالم به در ببرد. بااین‌حال گربه وی که در آغوشش جای داشت بر اثر انفجار کشته شده بود. همچنین گفته می‌شود که این تعداد کشته شامل ۹۱ کودک و کارگر کمسن نیز می‌شود.

▣ ونکی - رودزیا

شاید تا امروز هم نام این کشور آفریقایی را که سال ۱۹۷۰ به استقلال رسید نشنیده باشید. رودزیا، جزئی از دارایی‌های زیمباوه نوین به شمار می‌رود. رودزیا وقتی تنها دو سال از استقلالش می‌گذشت شاهد یکی از بزرگ‌ترین فجایع تاریخ شد. روز ۶ ژوئن ۱۹۷۲ انفجار گاز متان و همراه شدن انفجار با آتش گرفتن گرد زغال‌سنگ داخل معدن باعث شد تا سراسر تونل‌های معدن ونکی را آتش و دود فراگرفته و حتی یک نفر از ۴۲۶ کارگر معدن جان سالم به در نبرد. این فاجعه را یکی از بزرگ‌ترین فجایع انسانی در قاره آفریقا می‌دانند.

▣ کول بروک - آفریقای جنوبی

یک تراژدی بزرگ آن‌هم در اولین روز سال نوی میلادی؛ زمانی که تقریباً همه پیش خانواده‌های خود بودند و روزهای ابتدایی سال ۱۹۶۰ را همراه با عزیزانشان می‌گذراندند. تعدادی از کارگران در معدن کول بروک مشغول فعالیت بودند که به خاطر ارتکاب اشتباهی توسط مدیران به کام مرگ کشیده شدند. در این روز معدنچیان مشغول فعالیت روزانه خود بودند که ناگهان تکه سنگ عظیمی سقوط کرد و دهانه خروجی معدن را پوشاند. به علت نبود امکانات لازم جهت شکستن سنگ و ایجاد حفره برای نجات معدن‌کاران تمامی ۴۳۷ نفر آنها جان خود را از دست دادند.

این حادثه که فاجعه بزرگی در صنعت آفریقای جنوبی به شمار می‌آید زمانی غمگین‌تر می‌شود که بدانید طبق گزارش‌های اولیه؛ تعدادی سنگ ابتدا مقابل دهانه معدن سقوط کرده بود اما مدیران توجهی به این موضوع نکردند و حتی کارگرانی که فرار کرده بودند را بار دیگر به داخل معدن برگردانده بودند.

▣ سنگهید - ولز

۱۴ اکتبر سال ۱۹۱۳ زمانی که برداشت زغال‌سنگ از معادن به بالاترین سطح خود در بریتانیا رسیده بود بزرگ‌ترین فاجعه معدنی در این منطقه به وقوع پیوست تا سیاست‌های معدنی و همچنین ایمنی معدن این کشور برای همیشه دستخوش تغییرات اساسی شود. در این فاجعه که به علت انفجار گاز متان رخ داد ۴۳۹ معدن‌کار جان خود را درون آتش و انفجار از دست دادند. تنها جنازه ۷۰ نفر از آنها، آن‌هم پس از مدت‌ها کاوش پیدا شد. این اتفاق در حالی رخ داد که در ابتدای قرن ۲۰ این معدن، آماج انفجار و آتشسوزیهای مختلف بود ولی هیچ‌وقت نکات ایمنی در آن رعایت نشد. البته این حادثه باعث شد تا پایانی بر تمامی مشکلات ایمنی در معادن بریتانیا باشد.

▣ کیوشو - ژاپن

۱۵ دسامبر سال ۱۹۱۴ و دقیقاً در زمانی مشابه با فاجعه قبلی اتفاقی مشابه در ژاپن افتاد تا تعداد زیادی از معدنچیان این منطقه را به کام مرگ بکشاند. در گزارش‌های این حادثه آمده است که در اعماق زمین انفجار مهیبی رخ می‌دهد که باعث پرتاب آسانسورهای معدن به آسمان می‌شود. سپس دود غلیظی تمام منطقه جزیره کیوشو را می‌پوشاند. این انفجار باعث شد تا بزرگترین فاجعه معدن در ژاپن رخ دهد و ۶۸۷ کارگر معدن برای همیشه در اعماق زمین گرفتار شده و جان خود را از دست دادند.

▣ کوریررز - فرانسه

تا امروز هیچ فاجعه معدنی در اروپا، به بزرگی اتفاق رخ‌داده در فرانسه نبوده است. ۱۰ مارس سال ۱۹۰۶، ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه صبح، بخار زغال‌سنگ تمام معدن را فراگرفته و تنها نیاز به یک جرقه دارد تا جان یک‌هزار و ۹۹ انسان را بگیرد و صدها نفر را زخمی و از کارافتاده کند.

طبق گزارش‌هایی که از این حادثه به بیرون درز پیدا کرده است گازهای سمی و دود چند روزی بود که در داخل معدن دیده می‌شود اما شرکت معدنی کوریررز توجهی به آن نداشت و همین عدم توجه باعث بروز این فاجعه دردناک شد. این شرکت پس‌ازاین حادثه با مسائل بسیاری زیادی روبه‌رو شد و متهم به اهمال در انجام وظایف خود شد. در این حادثه بخش زیادی از کارگران کشته شده را کودکان خردسال تشکیل می‌دادند که برای کار به این شرکت مراجعه کرده بودند.

▣ هونیکیکو - چین

چین به خاطر وسعت و جمعیت بالایی که دارد چندین فاجعه دردناک را تا امروز تجربه کرده است که ازجمله مهم‌ترین آنها بزرگ‌ترین فاجعه تاریخ معدن در دنیاست. هنوز هم اتفاقات گسترده با میزان تلفات زیاد در معادن این کشور رخ می‌دهد اما بزرگترین فاجعه در روز ۲۶ آوریل سال ۱۹۴۲رخ داد. این حادثه که در میانه جنگ جهانی دوم روی داد با انفجار گاز در معدن استان لیونینگ آغاز شد و آتش تمام معدن را فرا گرفته بود. در این زمان مدیران ژاپنی این معدن برای کم کردن میزان آتش درب معدن را بسته و آن را مهروموم کردند و تمام هزار و ۵۴۹ کارگر را طعمه حریق کردند. پس از پایان آتش، ۱۰ روز زمان برد تا تمامی جنازه‌ها از داخل معدن خارج شود و همه آنها را در گوری دسته‌جمعی به خاک سپردند.

راهکاری برای تسریع در جبران کاستی‌ها



محمدحسین بصیری



مجید رحیمی

کارشناسان می‌گویند گرفتاری‌های ما در کشور یک راه‌حل بیشتر ندارد و آن بازگشت به علم و آموزش در راهبری مسائل و حل مشکلات است. حوزه معدن هم که امروزه به یکی از حوزه‌های مهم اقتصاد کشور تبدیل شده، از این قاعده مستثنا نیست؛ بنابراین بدیهی است که توجه به سطح آموزش و توان نیروی متخصص در این حوزه هم اهمیتی بیش از پیش خواهد داشت.

فعالان حوزه معدن و کسانی که دستی بر آتش معدنکاری دارند بارها و بارها در اظهارنظرات خود به این موضوع پرداخته و هر یک از منظر خود آن را مورد بررسی قرار داده‌اند.

▣ توسعه از مسیر آموزش می‌گذرد

محمدحسین بصیری، مدیرعامل شرکت گسترش صنایع و معادن توانمندی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در حوزه معدن را مد نظر قرار داد و گفت: ناکارآمدی و عدم بهره‌وری نمی‌تواند برای افرادی که از تجربه کافی و موثر برخوردار نیستند تعریف شود. مسئله اصلی در شکل و نحوه به کارگیری نیروی انسانی کم‌تجربه در صنعت و بازار کار است. آموزش باید باتوجه به نیازها بازتعریف و به‌شکلی واقع‌بینانه متناسب با بازار کار ارائه شود. اعتماد به جوانان و توجه به توانمندی‌ها و انگیزه‌های ذاتی‌شان، همواره اثرات مثبت و غیرقابل‌انکاری بر جای گذاشته است. تجربه این اعتماد در کشور وجود دارد و صرفا باید بنگاه‌های اقتصادی با طراحی و ارائه راهکارهای علمی و عملیاتی متناسب با شرایط بومی خود از این نیروی جوان بهره‌مند شوند. وی مهم‌ترین دغدغه و مسئله در زمینه آموزش را فقدان برنامه‌ریزی واقع‌بینانه، فرآیندهای اثربخش و نبود اعتماد به نیروی جوان دانست و گفت: این مشکل باید موردتوجه هر دو طرف دانشگاه و صنعت قرار گیرد. بصیری بر اهمیت تغییر رویکردهای سنتی و اداری به رویکردهای انسانی تاکید کرد و گفت: توسعه سرمایه انسانی در معدن به‌معنای تسریع در جبران کاستی‌هاست. وی با اشاره به تغییر ترجیحات نسل آینده، اصلاح ساختار مدیریت منابع انسانی را اجتناب‌ناپذیر دانست و افزود: نسل جدید تعاریف تازه‌ای از شغل در ذهن خود دارند و انطباق ساختارهای منابع انسانی با آن می‌تواند متضمن موفقیت و پیشرفت شرکت‌ها باشد. بصیری بازتعریف نقش مدیریت منابع انسانی در سازمان‌ها به‌ویژه شرکت‌های بزرگ را هم از ضروریات دانست و گفت: هماهنگی و همسویی فرآیندهای منابع انسانی با استراتژی کسب‌وکار شرکت‌ها موضوعی بسیار حائزاهمیت است که در دنیا و کشورهای توسعه‌یافته به آن بسیار توجه می‌شود. ساختار و جایگاه منابع انسانی به‌عنوان یک شریک استراتژیک باتوجه به اهمیت بالای سرمایه انسانی در عصر کنونی باید بازتعریف و عملیاتی شود؛ از این رو پیشنهاد می‌شود شرکت‌های بزرگ در راستای برنامه‌ریزی و استقرار استراتژی‌های خود، راهکارهای نوین مرتبط با مدیریت سرمایه انسانی را به‌عنوان یک اصل و ارزش مدنظر قرار دهند و به آن توجه ویژه داشته باشند.

اما مجید رحیمی که مدیرعامل یک شرکت دانش‌بنیان معدنی است، آموزش را حلقه مفقوده توسعه صنعت نامید و گفت: نیروی انسانی، مهم‌ترین عامل دستیابی به توسعه در جوامع مختلف به‌شمار می‌آید و در واقع همان موتور محرک توسعه و پیشرفت است. در حال حاضر باوجود اینکه پیشرفت‌های فراوانی در زمینه دانش و تکنولوژی تولید حاصل شده، نه‌تنها از اهمیت نیروی انسانی کاسته نشده بلکه ضرورت توجه به این موضوع بیش از پیش احساس می‌شود. ارزشمندترین سرمایه یک مجموعه صنعتی نیروی انسانی است که از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در بخش تولید برخوردار است. تجهیزات و ماشین‌آلات هر واحد تولیدی، زمانی بیشترین بهره‌وری را خواهند داشت که توسط نیروی انسانی متخصص در راستای تحقق اهداف از پیش تعیین‌شده مجموعه به کار گرفته شوند. خل آموزش کاربردی نیروهای انسانی در راستای تحقق راهبرد و خط‌مشی یک شرکت، یکی از معضلاتی است که کارفرمایان طی سال‌های اخیر با آن مواجه شده‌اند. وقتی نیروهای انسانی کارآمد در یک مجموعه آموزش می‌بینند و به کار گرفته می‌شوند، رقیبان به هر شکل ممکن به‌دنبال جذب و به کارگیری آنها هستند که این مسئله منجر به کاهش ظرفیت و بهره‌وری کافی نیروهای انسانی متخصص خواهد شد. همچنین بعضی از متخصصان به‌دنبال این شرایط، همکاری خود را با مجموعه ادامه نمی‌دهند و در صورت ادامه فعالیت نیز بهره‌وری کافی برای پیشبرد اهداف مدیریتی را ندارند.

▣ آموزش و بهره‌وری

وی درباره تمهیدات مجموعه زیرنظر خود برای جذب نیروی انسانی بیان کرد: یکی از اهداف کلان شرکت ما به کارگیری نیروی متخصص و متعهد است و همواره تمام تلاش خود را در این زمینه به‌کار گرفته‌ایم. استخدام، آموزش و به کارگیری نیروی انسانی متخصص در شرکت‌های دانش‌بنیان، دارای فرآیند دشوار و زمان‌بری است. ما از هیچ کوششی در این زمینه دریغ نکرده‌ایم و به‌دنبال حفظ نیروهای انسانی متعهد در مجموعه هستیم.

رحیمی درباره افزایش بهره‌وری نیروهای انسانی در شرکت‌های دانش‌بنیان گفت: انگیزه لازم برای فعالیت نیروهای انسانی کارآمد در شرکت‌های دانش‌بنیان، با فرهنگ‌سازی در جامعه ایجاد می‌شود. براساس آنچه که توسط یکی از بزرگان علم جامعه‌شناسی دنیا مطرح شده، آموزش در مدارس پایه، نقش بسزایی در توسعه کشور دارد. در واقع باید نحوه آموزش در مدارس پایه مورد بررسی قرار گیرد و اگر آموزش براساس یک سری قواعد کلی انجام شود، می‌توان در راستای توسعه حرکت کرد؛ در غیر این صورت نه‌تنها پیشرفتی در جامعه حاصل نخواهد شد، بلکه شاهد عقبگرد در بخش‌های مختلف خواهیم بود. در حال حاضر نقش معلم در آموزش به‌دلیل مشکلات اقتصادی حاکم در جامعه، کمرنگ شده و مادامی که معضلات این قشر اثرگذار رفع نشود، نمی‌توانیم انتظار آموزش جامع و کاربردی در مقاطع تحصیلی پایه را داشته باشیم. انگیزه‌های لازم برای آموزش باید توسط سازمان‌های ذی‌ربط فراهم شود. متاسفانه ما در سال‌های اخیر از این مهم غافل شده‌ایم و با گذشت زمان، همچنان اقدامات لازم در این زمینه انجام نمی‌شود.

دور؛ دوری باطل است



پیمان افضل، فعال معدن:

امروز، جهان یکی از بزنگاه‌های تاریخی و بزرگ خود در حوزه تامین انرژی را پشت‌سر می‌گذارد.

از یک‌سو اتحادیه اروپا در راستای مقابله با گرمایش زمین، عزم خود را جزم کرده تا واردات از کشورهای آلاینده را به‌تدریج کم کند و از سوی دیگر جنگ روسیه و اوکراین بهانه خوبی به‌دست داده تا برای حذف سوخت‌های فسیلی گام‌هایی اساسی برداشته شود.

امریکا از چندی پیش واردات نفت از روسیه را متوقف کرد و به‌تازگی هم اعلام شد کشورهای گروه ۷، واردات نفت روسیه را متوقف یا به‌طورکامل ممنوع خواهند کرد.

این تحولات، زنگ خطری برای حضور ما در بازار جهانی است.

اگر کشورهای بزرگ اتحادیه اروپا مصرف سوخت فسیلی خود را کاهش دهند، آن‌وقت دیگر چه کسی مشتری نفت ما خواهد بود و اگر واردات از کشورهایی که کربن زیادی تولید می‌کنند، ممنوع شود، تولیدات ما را چه کسی خواهد خرید؟

هرچند ذخایر معدنی کشور ما می‌تواند به‌سادگی جای نفت را پر کند، اما بی‌شک با ادامه وضع موجود در دست‌انداز دوم گرفتار خواهیم شد.

امروزه کشور ما فاقد زیرساخت‌های اقتصادی و فنی لازم برای تصحیح فرآیند تولید معادن است.

ما هنوز نمی‌توانیم ماشین‌آلات مناسب را از کشورهای صاحب فناوری وارد کنیم و اگر معدنی نتواند ماشین‌آلات وارد کند، چگونه می‌تواند میزان مصرف سوخت و به‌تبع آن تولید گازهای گلخانه‌ای را کاهش دهد؟

از یک‌طرف معدنکار اجازه ندارد ماشین‌آلات خود را نوسازی کند، از سوی دیگر هزینه‌های تولید به‌شکل نجومی رو به افزایش است.

وقتی که پس از مدت‌ها رکود، بازار صادراتی تکان می‌خورد، بر کالاها عوارض صادراتی بسته می‌شود و وقتی گشایشی در زمینه واردات ماشین‌آلات ایجاد می‌شود، معافیت از حقوق ورودی آن حذف می‌شود. این چنین سیاست‌هایی به‌معنی افزودن گرهی بر گره‌های کور بخش معدن است.

البته باید نیمه پر لیوان را هم دید؛ الان دستگاه‌های حفاری خوبی در کشور تولید می‌شود، اما با حمایت نکردن از تولید داخلی، آنها روزبه‌روز ضعیف‌تر می‌شوند. ما باید بگذاریم معدنکار خودش کارش را انجام دهد، برنامه‌ریزی و پیشرفت برای خود داشته باشد، نه‌اینکه دست او را ببندیم و تنها از او بخواهیم که پول سوخت بیشتری بدهد.

این درحالی است که حمایت از برخی تولیدکنندگان داخلی نباید به نرخ قربانی شدن بخش معدنی کشور یا فعالیت فعالان بخش خصوصی واقعی تمام شود. واقعیت این است که با یکسری پروژه‌های شعاری و تبلیغاتی، کاری از پیش نمی‌رود. مثلا کارخانه‌ای که هنوز با مشکلات بسیاری دست‌وپنجه نرم می‌کند و برای پرداخت حقوق کارگران مشکل دارد، نمی‌تواند جوابگوی نیاز معادن کل کشور باشد. در برخی موارد، ما با هدف حمایت از تولید داخلی به‌طوردقیق به همان مسیری قدم گذاشته‌ایم که در زمینه تولید خودرو آن را طی کرده‌ایم و از پایان ماجرا هم باخبریم. اگر قرار است تولیدات معدن، آینده کشور را تامین کند، باید از این حوزه حمایت کنیم. برای تحقق این هدف باید چند نکته اساسی را مدنظر داشت؛ وقتی امروز از نظر فناوری فاصله زیادی با کشورهای پیشرفته داریم، نمی‌توانیم انحصار تولید را در دست داشته باشیم. زمانی که توان تولید ابزار موردنیاز خود را نداریم باید ماشین‌آلات را وارد کنیم. در گام بعد، واردات ماشین‌آلات، نیازمند حمایت است، چون از یک‌طرف نرخ دلار به‌شکل سرسام‌آوری بالا رفته و ارزش پول ملی سقوط کرده و از طرف دیگر برای واردات ماشین‌آلات باید عوارض ورودی پرداخت.

در این شرایط برخی معدنکاران قادر به خرید تجهیزات و ماشین‌آلات برند باکیفیت نیستند که یا باید به خرید تجهیزات رده دوم تن دهند یا به‌ناچار به تعمیر و استفاده مجدد از ماشین‌آلات کنونی ادامه دهند. در این شرایط استفاده از ماشین‌آلات کهنه و فرسوده، مصرف سوخت و انرژی را بالا می‌برد، نرخ تمام‌شده کالا و تولید را افزایش می‌دهد و منجر به کاهش توان رقابت در بازار می‌شود و مهم‌تر اینکه ما را به نقطه شروع این دور باطل باز می‌گرداند و علاوه‌بر افزایش آلودگی هوای کشور و اتلاف سوخت و انرژی، در معرض خطر حذف از بازار جهانی و از دست دادن مشتریان قرار می‌گیریم، البته در حال حاضر تولید متوقف نمی‌شود، چون هنوز بازار از بند نیازهای خود کاملا آزاد نشده است و بحران‌ها قیمت‌های جهانی را بالا برده است.